

# تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی

محمد نقی زاده \*



شماره ۱۷۰، آبان ۱۳۹۱

۳۸

## مقدمه

با ظهور انقلاب صنعتی و افزایش جمعیت شهرها؛ کمبود و بحران کیفی و کمی مسکن در جوامع شهری آغاز شد، به نحوی که موضوعات کیفی و کمی مسکن، سال‌های مدیدی موضوع اصلی تحقیقات و بررسی‌ها و اظهارنظرهای دست‌اندرکاران فرهنگی و علوم مختلف از جمله معماری و شهرسازی و علوم اجتماعی و اقتصاد و قلمرو سیاسی بوده است (ر.ک: گیدئین، ۱۳۶۵ و Burke, 1971 & Kostof, 1985). این بحران در دهه‌های اخیر متوجه شهرهای ایران نیز گردیده و روز به روز بر شدت و توجه به آن افزوده می‌شود. علاوه بر افزایش جمعیت شهرها، به عنوان علت اصلی افزایش تقاضا برای مسکن، عوامل دیگری نیز به این بحران دامن می‌زنند که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: تقاضا برای ارتقای کیفی مسکن، دگرگونی در شیوه‌های ساخت ابنیه، قیمت بالای زمین شهرها، استاندارد اندیشیدن نسبت به ویژگی‌های کمی مسکن، رسوخ و گسترش الگوهای زیست بیگانه، نگرش به مسکن به عنوان کالا، نگرش به ساخت‌وساز به عنوان مقوله‌ای اقتصادی برای ایجاد اشتغال، رشد خانوارهای تک‌نفره، ارتقای رفاه و افزایش توقعات جامعه، رواج مدرگرایی و تهییج مصرف، تغییر شیوه‌ی زیست و فن‌آوری، فرسوده شدن تدریجی بافت‌های شهری<sup>۱</sup> و به طور خلاصه تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات<sup>۲</sup> همه‌ی اینها سبب می‌گردند تا دست‌اندرکاران مجبور به اتخاذ تصمیماتی در جهت تأمین (و به عبارت بهتر جهت تولید) مسکن برای درصد بالایی از جمعیت جامعه با عناوین و برنامه‌های خاصی مثل مسکن ارزان‌قیمت، مسکن حداقل، مسکن بهینه، مسکن کارگری و مسکن برای اقشار کم‌درآمد گردند. نکته‌ی بارز در این‌گونه برخورد با مسأله این است که غالب معیارهایی که برای ارزیابی مسکن موجود و

ارزیابی طرحها و همچنین تأمین کمبودها و تدوین برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، معیارهایی کمی هستند که عمدتاً نیز محدود و منحصر به معیارهای اقتصادی (یا به عبارت بهتر سوداگرانه) می‌گردند، و معیارهای کیفی و عمدتاً معیارهای فرهنگی، معیارهای مهجور هستند. اگر چه در مورد برخی عوامل و معیارهای فنی نیز گاهی سخن گفته می‌شود، اما در عمل آن‌طور که شایسته است مورد توجه و عنایت قرار نمی‌گیرند. فی‌المثل، پس از مباحث مطروحه در مورد زلزله و تدوین ضوابط اجباری بودن رعایت آنها در محاسبات ابنیه، در این مورد مباحث مهمتی در زمینه محاسبات مطرح می‌شود، اما در عمل به دلایل عدیده‌ای همچون کمبود نیروی کار ماهر و دخالت افراد غیرمتخصص در تصمیم‌گیری‌ها و مسائل دیگر هر از گاهی شاهد گزارش‌هایی در زمینه‌ی عدم رعایت آیین‌نامه‌ها و اشکالات فنی ابنیه هستیم. از جمله این که شهردار تهران، اعلام می‌نماید که: "به جرأت می‌توان گفت که امروزه بیش از ۵۰ درصد ساختمان‌هایی که در سطح شهر در حال احداث هستند در مقابل زلزله مقاوم نیستند" (روزنامه همشهری، ۱۳۸۵، صص ۱ و ۳).

این درست است که به دلایلی همچون کمبود مسکن، افزایش جمعیت و مناسب نبودن مسکن موجود، نیاز به مسکن و ساخت‌وساز در شهرها افزایش یافته، یا به عبارتی شهرها با بحران کمبود مسکن مواجه‌اند، و بدین ترتیب اولین هدف برنامه‌های مرتبط با مسکن، بر تأمین سرپناهی برای مردم متمرکز است. اما در عین حال باید به این امر نیز توجه کرد که استاندارد اندیشیدن و استاندارد کردن مسکن و امور مربوط به آن، تنها راه و مناسب‌ترین راه نمی‌باشد، و در صورت ملحوظ داشتن بسیاری جهات کیفی و مهم دیگر شاید بتوان سریع‌تر و بهتر و مناسب‌تر و حتی ارزان‌تر به اهداف نایل آمد. با مباحثی که در مورد ویژگی‌های

مسکن مطلوب بیان خواهد شد می‌توان گفت که در راه تأمین مسکن مناسب و مطلوب برای جامعه‌ی ایرانی، یکی از اولین گام‌ها عبارت از “معرفی و ترویج ویژگی‌های مسکن مطلوب” می‌باشد. در این راه که به تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و احیاء و ترویج آنها در جامعه استوار بوده و در راستای امحاء از خود بیگانگی و بازگشت به خویش می‌باشد، فعالیت‌های فرهنگی و معرفی هویت ملی و جست‌وجوی روش‌هایی خاص در قالب سیاست‌های کیفی و سیاست‌های اجرایی ضرورت دارد.

سیاست‌های کیفی، در اینجا، به آن دسته سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که به انحاء مختلف به مسائل فرهنگی و دگرگونی در الگوهای زیست و ترویج ارزش‌های فرهنگ خودی مربوط می‌شوند. این گونه سیاست‌ها، تذکر و ترویج هویت فرهنگی جامعه را مد نظر دارند.

در حالی که امروزه توجه اصلی دست‌اندرکاران تهیه‌ی مسکن اغلب بر مباحث و عوامل کمی و به ویژه بر عوامل اقتصادی و سوداگرانه متمرکز است، یکی از اصلی‌ترین موضوعات لازم‌الزاعیه توجه به ویژگی‌های کیفی و به‌خصوص بارزهای معنوی و ارزش‌های فرهنگی است که در تهیه‌ی غالب برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با معماری و شهرسازی و از جمله در امور مسکن مهجور و مغفول مانده‌اند. در این مجال، سعی بر تبیین و معرفی اجمالی برخی ویژگی‌های کیفی “مسکن مطلوب” در جامعه‌ی اسلامی است. “مسکن” جامعه‌ی اسلامی که از آن به “مسکن مطلوب” تعبیر می‌کنیم به عنوان تجلی‌گاه ارزش‌های فرهنگی مطرح خواهد بود. خانواده به عنوان واحد بنیادین

جامعه به دلیل ویژگی‌های خاصی که فرهنگ ایرانی برای آن قائل است و به دلیل اشغال اکثریت عمارات یک شهر به عنوان مسکن، عنصری است که تأثیر آن بر معماری (مسکن) و در نتیجه بر شهر تأثیری به سزا و قابل توجه است. همان‌گونه که اصول حاکم بر مفهوم خانواده بر معماری اثر می‌گذارد، معماری نیز در قوام یا اضمحلال و خدشه به اصول و ارزش‌های فرهنگی مربوط به خانواده تأثیری اساسی دارد. با تکرار و تقلید الگوهای وارداتی که به هر حال با بسیاری از ارزش‌های فرهنگی خانواده و اجتماع در تقابل هستند، مشکلاتی برای خانواده‌ها بروز می‌نماید و به دنبال آن با توجه به رواج ضدآرزش‌هایی همچون توجه به مد و مصرف و خودنمایی و رقابت‌های مادی، این مشکلات به جامعه نیز تحمیل می‌شوند. با بروز این مشکلات، خانواده‌ها و جامعه ناچار به تطابق خویش با محیط؛ تن در داده و اصول و ارزش‌های فرهنگی را فراموش می‌کنند. در این مجال سعی بر آن خواهد بود تا اهم اصولی که به حرمت و شأن خانواده ایرانی پاسخ داده و اینک به شدت تضعیف شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند.

با توجه به مباحث مطرح در این مجیزه، تبیین فرایندی برای طراحی مسکن پیشنهاد می‌شود که طی آن قلمروهای مختلف حیات انسان و زمینه‌های مرتبط و پاسخگو به هر کدام با توجه به ارزش‌های فرهنگی و کیفی مد نظر قرار گیرند. تدوین مبانی نظری معماری مسکن یکی از مهم‌ترین مراحل این فرایند خواهد بود که می‌تواند به عنوان منشأ معیبری برای طراحی و همچنین ارزیابی‌های طرح‌ها و الگوها و ایده‌ها مورد استناد قرار گیرند.

### انسان و نیازهای او

حیات انسان در ابعاد مختلفی قابل بررسی است که هر بُعد نیز نیازهای خاص خود را دارد. به اجمال، برای حیات انسان سه بُعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است، و به تناسب این سه ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله‌ی نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و امثال آنها)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حب ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم‌بندی می‌شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵). به این ترتیب، حیات و وجود انسان متشکل از جنبه‌ها و ساحت‌های متمایزی است که برای هر جنبه و هر ساحت نیازهایی نیز قابل شناسایی و تعریف هستند. بسیاری مکاتب فکری، صرفاً بر جنبه‌های مادی و در نتیجه بر نیازهای مادی انسان تأکید می‌ورزند. این گونه تفکرات، با درجه‌بندی کردن نیازهای انسان به درجات مختلف شرط احساس نیاز انسان به هر مرتبه (مراتب مراتب بالاتر) را ارضا

نیاز مرحله‌ی پائین‌تر می‌دانند. برخی دیگر انسان را واجد دو گونه حیات مجزا (و البته مرتبط به هم) دانسته و دو نوع نیاز برای انسان قائل هستند. تفکر اسلامی، برعکس همه‌ی اینها، توجه همزمان و توأمان به نیازهای انسان را توصیه می‌نماید. و اگر چه به تأمین نیازهای مادی انسان تأکید می‌ورزد اما هیچ‌گاه آنها را به عنوان اصل و هدف حیات مطرح نمی‌نماید. در پاسخ به همین اصول است که شهر اسلامی بایستی نقطه‌ی تعادل توجه به جنبه‌ها و نیازهای متفاوت حیات انسان باشد. در واقع، عملکردهای مادی، راه و وسیله‌ای در خدمت و در جهت تحصیل آرمان‌های معنوی هستند.

به تناسب قلمروهای حیات انسان (قلمروهای مادی، روانی و معنوی) نیازهای او نیز متفاوت هستند، مسکن و عوامل مربوط به آن نیز نباید صرفاً به عنوان سرپناه و فقط پاسخگوی نیازهای مادی انسان مطرح نظر قرار گیرند، بلکه توجه به آن دسته از ویژگی‌های کیفی مسکن که تأمین‌کننده‌ی نیازهای روانی و معنوی انسان هستند نیز ضرورت دارد. به این ترتیب، مهم‌ترین موضوعی که در ارتباط با مسکن



بایستی مورد توجه قرار گیرد، انسان است.<sup>۳</sup> انسان، به تبع طبیعت ثلاثه‌ی خویش (متشکل از بدن، نفس و روح) نیازهای سه‌گانه‌ای نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته و فراهم آوردن زمینه‌ی پاسخگویی به هر کدام، به تناسب اهمیتی که دارند، برای ایجاد زمینه‌ی تحصیل زندگی و حیاتی طیب و سازگار با طبیعت و فطرت انسان ضرورت دارد. به نظر می‌رسد آنچه در وهله‌ی اول اهمیت دارد، تأمین توانمان نیازهای مادی (پاسخ به کالبد)، نیازهای روانی (پاسخ به نفس) و نیازهای روحانی و معنوی (پاسخ به روح) انسان می‌باشد. این در حالی است که تمرکز اصلی بسیاری تفکرات و الگوهای زیست معاصر بر جنبه‌های مادی حیات انسان قرار دارد. این‌گونه نگرش به انسان و تفکیک کامل این قلمروها اشکالات عدیده‌ای دارد، از جمله این که: با تفکر وحدت‌گرا در تضاد و تباین است، الگویی وارداتی و غربی می‌باشد، الگویی مروج مصرف و مد بوده و ریشه‌ای در فرهنگ ایرانی ندارد؛ و به طور اجمال این که این تمرکز بر جنبه‌ی مادی حیات نه تنها نخواهد توانست انسان را به منزل مقصود برساند بلکه او را در وادی مادیّت و دنیا متوقف و زمین‌گیر خواهد کرد. این یک اصل اساسی است که تمرکز بر جنبه‌ی مادی حیات، انسان را در وادی مادیّت متوقف خواهد نمود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۶۶، ج ۵).

راه صحیح آن است که قلمروهای مختلف حیات انسان، با یک دید متعادل و هماهنگ مورد توجه قرار گیرند و بدون غفلت از رعایت سلسله‌مراتب حیات، که هر جنبه‌ای را در خدمت قلمرو مافوق خود می‌داند، هدف اصلی از هر فعالیت انسانی، تعالی معنوی و روحانی انسان و آمادگی‌اش برای رسیدن به قرب الهی باشد.

بنابراین مسکن نیز می‌تواند و باید در عین حالی که زیاده از حد متکبرانانه و خودنمایانه و چشم‌پرکن و متمرکز بر پاسخگویی به نیازهای کاذب مادی که اغلب نیز راه افراط می‌پویند، نباشد؛ به نیازهای مادی و معنوی انسان در حد مطلوب پاسخ دهد. با این حال، این وظیفه‌ی برنامه‌ریزان و طراحان است که پاسخگویی به جنبه‌های مختلف را هماهنگ و همراه نموده و جامعه را به تمرکز صرف بر جنبه‌های مادی حیات تشویق نکنند و برعکس مردم را به توجه همزمان جنبه‌های مختلف حیات خویش ترغیب و هدایت نمایند.

### اجمالی در باب مسکن

مروری اجمالی بر شیوه‌ی زیست و عمران و توسعه‌ی شهرها در گذشته، بیانگر آن است که هر کس خانه‌ی خویش را می‌ساخت و نسل‌ها در آن خانه یا در محل خویش می‌زیستند و بین انسان و محیط و فرهنگ و تاریخ پیوندی مستحکم و یگانه برقرار بود و این به عکس شیوه‌ی رایج است که خانه را همانند کالایی خرید و فروش می‌کنند و هر خانه و محله‌ای به عنوان سکوی پرتاب به خانه و محله‌ای گرانقیمت‌تر تلقی می‌گردد.<sup>۴</sup> مسکن یا خانه‌های تاریخی مسلمانان از عناصری است که به دلایل عدیده‌ی بیشترین حجم مطالعات و تحقیقات را به خود اختصاص داده است. شاید علل آن را در وفور آثار (در بافت‌های تاریخی و روستاها)، در تفاوت و حتی تضاد آنها با معماری مسکن معاصر، در امکان زیست در آن و در انطباقش با نیازهای انسان و شرایط محیطی بتوان یافت. به هر حال، بدون دخول در ذکر جزئیات فیزیکی و فنی و مصالح و کالبدی

آنها، تنها به برخی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آنها که امروزه نیز خواست مردم بوده و رعایت آنها در مسکن خواست و شاید آرزوی اکثریت قریب به اتفاق مردم است اشاره می‌شود. اهم این ویژگی‌های عبارتند از: وسعت مناسب، سلسله‌مراتب فضایی، ارتباط با طبیعت از طریق تلفیق فضاهای باز و سرپوشیده، تمرکز بر درون، تنظیم سالم و طبیعی شرایط محیطی، ارتفاع مناسب، نوع و شیوه‌ی مالکیت، برقرار کردن ارتباط انسان با طبیعت، تنظیم و تفکیک قلمروها، تنوع فضایی و عملکردی، کارایی، انعطاف‌پذیری و بسیاری ویژگی‌هایی که برای ظهور مسکن مطلوب ضروری‌اند.

### اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی

بنا به تفکر وحدت‌گرای منبعث از تعالیم اسلامی نمی‌توان مسکن را جدای از بقیه‌ی پدیده‌ها و موضوعات مرتبط با زندگی انسان مورد بررسی قرار داد. از جمله مهم‌ترین موضوعات قابل توجه عبارت از مرعی داشتن توأم عوامل کیفی و کمی می‌باشد. ویژگی‌های کیفی مورد نظر عمدتاً مشتمل بر اموری است که یا به عنوان ویژگی مسکن و مکان زندگی در تعالیم اسلامی معرفی شده‌اند، یا این که به نحوی بر تجلی و ارتقای کیفیاتی که برای حیات انسان در این تعالیم مورد توجه بوده‌اند، تأثیر مثبت دارند.

معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌شود که فقط سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب هموعانش باشد. یا قیمت کم و مناسبی داشته باشد، یا این که تأمین آن برای هر کس مقدور باشد. همه‌ی اینها لازم‌اند، اما کافی نبوده و همه‌ی مسائلی نیستند که در تعریف مسکن مطلوب باید به آنها توجه شود. یکی از نکات ضروری و بسیار مهم آن است که مسکن بایستی محل و فضای فراهم‌آورنده‌ی آرامش و آسایش و سکینه برای ساکن خویش باشد. مسکن نه تنها باید شرایطی را داشته باشد تا خانواده‌ها از نظر اقتصادی توان تهیه‌ی آن را داشته باشند، بلکه باید شرایطی را داشته باشد که بتواند به عنوان محل امن و سکنی و آرامش انسان ایفای نقش کند. و این به صراحت مأخوذ از کلام الهی است که می‌فرماید: “وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَخَدًّا بِرَأْسِ سَكُونَتِ شِمَا مَنزِلِ هَايْتَانِ رَا قَرَارِ دَاد” (نحل: ۸۰). ضمن آن که توجه به آیه‌ی شریفه‌ی ۸۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نمل<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که علاوه بر اهمیت مسکن (به طور عام) تأمین شرایط مناسب آن در شب نیز اهمیت خاص دارد.

اگر برخی عوامل مرتبط با مسکن مثل الگوی ساخت و نوع مصالح (و حتی زمین) ثابت و به عنوان ارزش فرض شوند و مدها بر آن حاکم باشند، و از سویی میزان بودجه‌ی در اختیار برای تهیه‌ی مسکن نیز ثابت باشد ناچار دائماً از ویژگی‌های کیفی و وسعت آن کاسته شده و عنوان خانه‌ی ارزان‌قیمت و مسکن اقشار کم‌درآمد و امثال آن‌ها را به خود می‌گیرد. در حالی که اگر برای مسکن به طور عام شرایط و خصوصیات تدوین شود، می‌توان متناسب با زمان و مکان و شرایط، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی و ساخت مسکن مطلوب اتخاذ نمود. چنانچه در معماری تاریخی مسکن نیز چنین بوده است، و در واقع اصول حاکم بر خانه‌های وسیع با اصول شکل‌دهنده‌ی خانه‌های کوچک ثابت بوده‌اند. حتی عده‌ای دامنه‌ی این وحدت اصول و معیارها

را توسعه داده و معتقدند که اصول ثابتی بر کل معماری و شهرسازی مجتمع‌های تاریخی مسلمانان، و از جمله ایرانیان، حاکم بوده است (ر.ک: نصر، ۱۳۷۰). در حالی که امروزه موضوع کاملاً برعکس شده و آنچه ثابت است توجه به موضوعات مادی می‌باشد.

با این حال، برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله‌ی سکونت دو دسته ویژگی اصلی را می‌توان مطرح کرد: دسته‌ی اول مشتمل بر ویژگی‌های اثباتی که مرعی داشتن آنها توصیه می‌شود و دسته‌ی دوم ویژگی‌های سلبی هستند که حذف یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد. لازم به ذکر است که هر دوی این ویژگی‌های اثباتی و سلبی نیز به نوبه‌ی خود مشتمل بر مقولاتی جزئی‌تر هستند که از جمله‌ی آنها عبارتند از: صفات مسکن (مثل امنیت، ایمنی، خصوصیت، آرامش و مانند آنها)، امکانات مسکن (از قبیل زمین‌ی امکان ارتباط انسان با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده‌ی نیازها) و انتظارات از مسکن یا تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی، احترام به حقوق دیگران، کمک به وحدت جامعه و مانند آنها) می‌باشند. البته در این مجال عمدتاً به ویژگی‌های گروه اول (ویژگی‌های اثباتی) اشاره خواهد شد زیرا ملحوظ داشتن این ویژگی‌ها عمدتاً به عنوان عاملی در جهت حذف ویژگی‌های نامطلوب عمل خواهند کرد. برای مثال توجه به " هویت جمعی و هماهنگی " به عنوان عاملی در جهت حذف پدیده یا صفت نامطلوب "از خود بیگانگی" خواهد بود. نکته‌ی دیگر این که ویژگی‌هایی که در ادامه به آنها اشاره شده علاوه بر ویژگی‌های کمی و مادی (همچون استحکام و قیمت مناسب و مانند آنها) هستند که برای مسکن مطلوب و مناسب زیست مطرح می‌باشند. به بیان دیگر، در اینجا به برخی ویژگی‌های از قبیل استحکام و قیمت مناسب اشاره نشده است، در حالی که هر یک از این ویژگی‌ها نیز می‌توانند با توجه به شرایط زمانی و مکانی و فن‌آوری روز تجلی خاص خود را داشته باشند.

### ۱. توجه به فرهنگ جامعه

مراد از مد نظر داشتن فرهنگ جامعه در تعریف مسکن مطلوب آن است که اگر چه استفاده از تجربیات سایر ملل و تمدن‌ها (اعم از گذشته و معاصر) توصیه می‌شود، اما این استفاده بایستی به گونه‌ای باشد که ۱- با بهره‌گیری از آنها، اصول و ارزش‌های اعتقادی و باورهای جامعه تضعیف نگردند، ۲- به هویت ملی خدشه وارد نشود، ۳- عامل ترویج افکار و ایده‌های متضاد و مخالف ارزش‌های فرهنگی نباشد<sup>۴</sup> و ۴- این که با معیارهای برآمده از فرهنگ ایرانی ارزیابی و انتخاب شده باشند.<sup>۵</sup> تاریخ نشان می‌دهد که تکرار و تقلید الگوهای بیگانه به مرور جوامع مقلد را نسبت به فرهنگ خویش بیگانه نموده و در نهایت به استحاله‌ی جوامع انجامیدند. ر.ک:

Abu-Lughod, 1973, Fathy, 1985, Haider, 1984, Ibrahim, 1985 & Nasr, 1990 .

باید توجه داشت که هر یک از مکاتب معماری و شهرسازی بر پایه‌های اعتقادی و فکری (مبانی نظری) خاص خود استوار هستند، اما چون بسیاری افراد؛ یا به این مبانی توجه ندارند یا این که خود می‌خواهند مروج اصول و ارزش‌های خاصی باشند، دست به تقلید یا ترویج الگوهای

بیگانه می‌زنند. تقلید و ترویجی که خود، شکلی از تکرار و در نتیجه بی‌هویتی و از خود بیگانگی است. به عبارت دیگر، این تکرار و تقلید به مرور هویت جامعه را دگرگون می‌نماید، از خود بیگانگی و احساس حقارت در مقابل صاحبان اصلی الگوها را رشد می‌دهد، به ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه لطمه وارد نموده، و در نهایت منجر به استحاله و اضمحلال تمدن و فرهنگی که دست به تقلید و تکرار زده است، می‌گردد. پس یکی از مهم‌ترین نیازها تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی است که اصول بنیادین آن از اعتقادات جامعه سرچشمه گرفته و به نحوه نگرش جامعه به انسان و حیات او معطوف است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵). در راستای توجه به فرهنگ جامعه به مواردی اشاره می‌شود؛ که از جمله مهم‌ترین آنها توجه به وحدت جامعه است. وحدت جامعه موضوع بنیادین مورد توجه تعالیم اسلامی است که هر گونه خدشه به آن به طور مؤکد نهی شده است (آل‌عمران: ۱۰۳). مختصات مختلف محیط زندگی، تأثیر فراوانی بر تقویت یا تضعیف وحدت جامعه دارند. با این حال، برخی معیارهای منبعث از این اصل که مرتبط با محیط مصنوع می‌باشند، عبارتند از: هماهنگی، تجانس، توجه به مصالح عمومی، ارتباطات مناسب، تعادل، هویت ملی و فقدان هرگونه قطب‌بندی اجتماعی و کالبدی بر اساس عامل ثروت.

در همین مقوله، یکی از منابع شناخت ویژگی‌های مسکن مطلوب بهره‌گیری از مختصات مسکن بومی هر فرهنگ و هر منطقه می‌باشد. لازم به توضیح است که در این مقوله تکرار فرم‌ها و الگوها (جسد و کالبد صرف) مسکن بومی مد نظر نیست، بلکه شناسایی مختصات ارزشی و فرهنگی مرعی داشته‌شده در آنها و جست‌وجوی روش‌های پاسخگویی به آنها در زمان حاضر و با امکانات در دسترس بایستی هدف اصلی باشد. مطالعه‌ی متون اسلامی نیز نشان می‌دهد که بهره‌گیری از تجارب گذشته، ابتدا به معنای تکرار و تقلید عینی از آثار گذشتگان نیست، بلکه آنچه مهم است توجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر آنهاست که در بسیاری موارد نیز به صورت عبرت‌گیری و ترغیب به عدم تکرار آثار گذشته مطرح می‌شود.

### ۲. فراهم آوردن امکان زندگی اسلامی ایرانی

هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ خویش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف زیست و فعالیت (و از جمله در مسکن) خویش آداب و رسوم و فعالیت‌های خاصی را بر پا دارد. برای نمونه، در فرهنگ ایرانی یکی از مهم‌ترین آداب (سفرارش شده) صله‌ی رحم است که در قالب دید و بازدید، نگهداری از سالمندان خانواده و برپایی میهمانی‌های فامیلی و برقراری ارتباطات صمیمانه‌ی خانوادگی جلوه‌گر می‌شود. جدایی فضاهای خصوصی والدین از فرزندان و تفکیک فضاهای زندگی پسران و دختران خانواده از یکدیگر نیز موضوع سفرارش شده‌ای در تعالیم اسلامی است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۵). عمل به توصیه‌ی معاشرت با همسایگان، شیوه‌ی دیگری از زندگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد که اگر با رعایت اخلاق و آداب و ارتباطاتی که در اسلام توصیه شده‌اند همراه شود، جلوه‌ی منحصر به فردی از وحدت اجتماعی را پدید خواهد آورد. توجه به پاکی و طهارت فضاهای زیست که اختلاط فضاهای بهداشتی و همجواری آنها با فضای زندگی را منتفی می‌نماید، شیوه‌های پذیرایی

خاص ایرانی، روش‌های طبخ و ویژگی‌های غذاهای ایرانی، رازداری خانوادگی، راحتی و آسایش کودکان، حمایت از سالمندان، رعایت حریم بزرگسالان و بسیاری موضوعات دیگر از آدابی هستند که برپایی و رعایت آنها در مسکن بسیار کوچک و حداقل، به ویژه در الگوهای وارداتی‌شان امکان‌پذیر نبوده و زندگی را بر ساکنین خود سخت می‌نمایند.

اصلی‌ترین موضوع قابل طرح در این زمینه کرامت انسان است. یکی از موضوعاتی که در جهان‌بینی اسلامی مطرح است موضوع چگونگی رابطه‌ی انسان با عالم وجود (خویش، انسان‌ها، طبیعت و محیط مصنوع) است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴). در مورد مطالعه‌ی حاضر که مصداق مورد نظر مسکن می‌باشد، باید توجه داد که این عنصر نیاستی سلطه و رجحان انسان (و به ویژه سلطه و رجحان معنوی او) نسبت به محیط و به ویژه در مقایسه با ساخته‌ی خویش را خدشه‌دار نماید. طبیعی است که این رجحان باید ناظر بر جملگی ابعاد وجودی انسان (مادی، روانی و معنوی) بوده و از تمرکز بر یکی از آنها به همراه غفلت از بقیه احتراز نماید. معیار اصلی مرتبط با این اصل را می‌توان «مقیاس انسانی» نامید که البته منحصر به ابعاد فیزیکی انسان نبوده و به موضوعات متعددی متوجه خواهد بود.

ابعاد مورد نظر این معیار که برآمده از اصل «کرامت انسان» است، علاوه بر موضوعات فیزیکی و تطبیق با فیزیولوژی انسان، به ابعاد روانی و معنوی او نیز توجه دارد. در واقع، سخن در این است که شخصیت روانی و معنوی انسان تحت سلطه‌ی مصنوع خودش قرار نگیرد. به عبارت دیگر، امنیت مناسب روانی و معنوی انسان به امنیت فیزیکی و تنها در مقابل موضوعات طبیعی و مصنوعی (مثل زلزله و آتش‌سوزی) محدود و منحصر نیست و امنیت شهروندان (انسان) از جهاتی دیگر همچون امنیت در مقابل سلطه‌ی ساخته‌ی انسان قرار گرفتن، در برابر القاء جنبه‌ی مادی حیات قرار گرفتن، تحت اشراف و نگاه دیگران بودن؛ و در مقابل احساس حقارت در برابر تفاخر و خودنمایی دیگران نیز باید تأمین شود.

خلاصه این که تعیین درجه و مرتبه‌ی انسانی‌بودن هر پدیده را در دو قلمرو اصلی معنوی (روحانی) و مادی (فیزیکی) انسان می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در مورد قلمرو مادی (به ویژه در معماری و شهرسازی معاصر) بسیار سخن رفته است، و آنچه مغفول مانده است توجه به قلمرو حیات معنوی و روحانی است. با این حال، به پیروی از تعالیمی که انسان را متشکل از حد اقل دو حیات معنوی و مادی معرفی می‌نماید و از آن فراتر، برای بعد معنوی وی ارجحیت قائل است، ساخته‌ها و عناصر محیطی نیز بایستی از این اصل تبعیت نموده و در خدمت انسان قرار گیرند. در این مقوله، تناسب و هماهنگی ابعاد اینیه و فضاها یا توان روانی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، ضمن آن که اطلاعات واصله از محیط به انسان بایستی وی را در جهت تعالی و رشد هدایت و همراهی نمایند. به عبارت دیگر، توجه توأم به نیازهای مادی و معنوی انسان موضوع بنیادینی است که مرعی داشتن آن بر تفسیری که در مورد غالب اصول و مبانی طراحی به عمل می‌آید تأثیر خواهد داشت. مقیاس انسانی مورد نظر در معماری مسکن را در مقولاتی همچون تناسب ابعاد فضاها با ویژگی‌های روانی و فیزیولوژیکی

انسان، میزان تطابق با شرایط لازم برای تعالی معنوی انسان، تطبیق با ویژگی‌های هویتی انسان، درجه‌ی نفوذپذیری اصوات مزاحم در مقایسه با توان تحمل انسان، درجه‌ی نفوذ آلودگی هوا در مقایسه با وضعیت مجاز، چگونگی تنظیم شرایط محیطی با ویژگی‌های فیزیولوژیکی انسان و در میزان پاسخگویی مسکن به ارزش‌های فرهنگی ساکنین آن می‌توان جست‌وجو کرد.

### ۳. جامع‌نگری و وحدت‌گرایی

جامع‌نگری وجه مهم و مغفول طرح‌های جاری مسکن است. بدون دخول در بحث مطلوبیت یا عدم مطلوبیت مسکن کوچک (یا متحدالشکل) که به صورت انبوه تولید می‌شوند توجه به این نکته توصیه می‌شود که پروژه‌ها در قالب برنامه‌ریزی جامع و همه‌سویگر اجرا شوند تا تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و کالبدی و محیطی آنها منتفی یا به حداقل کاهش یابد. رعایت این امر سبب می‌شود تا دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی با تبعات پروژه‌های مسکن همراهی نموده، آن را بپذیرند و از معرفی و اهتمام در ترویج ارزش‌هایی که این گونه طرح‌ها رعایت آنها را غیرممکن نموده‌اند، احتراز نمایند. برای نمونه، با رواج کوچک‌سازی، دیگر نباید سخن از نگهداری از سالمندان در خانه گفت. بلکه برعکس باید از خانه‌ی سالمندان و تعیین سرانه برای آن در طرح‌های شهری سخن به میان آورد. دیگر نباید خیلی جدی از صله‌ی رحم و دید و بازدید و فرهنگ مهمان‌نوازی سخن گفت. و نباید از حس توطن و تعلق به مکان صحبت کرد.

مرعی‌داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان تأثیری به سزا در شکل‌گیری مسکن مطلوب و ارتباطات مسکن مطلوب با یکدیگر خواهد داشت. این بدان معنا است که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد و خانواده را فراهم می‌آورد از بروز مزاحمت‌های بصری و صوتی و روانی و مانند آنها پیشگیری می‌کنند. امروزه گاهی این ایده مطرح (یا حتی اجرا) می‌شود که در واحدهای مسکونی واقع در برج‌ها، دوربینی برای ملاحظه و نظاره‌ی مناظر تعبیه می‌شود. این موضوع اگر چه می‌تواند به عنوان امتیازی برای آن واحدها مطرح شود، اما مصداق بارز تجاوز به حقوق و امنیت و خلوت و حریم خصوصی کسانی است که تحت نظاره‌ی افراد و در بُرد دوربین‌های آنها قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، این موضوع توجه می‌دهد که تولید و ساخت مسکن مطلوب به صورت انفرادی و تکی، در یک مجموعه‌ی ناهمگون و نامتناسب که اکثریت خانه‌ها برای زندگی نامطلوب هستند، بسیار دشوار یا ناممکن خواهد بود، و مناسب‌ترین راه، کل‌نگری و تأمین مسکن مطلوب در قالب برنامه‌ها و طرح‌های کلی شهرسازی و معماری و اجرایی است.

طبیعی است که تعبیر «مسکن» منحصر به شکل داخلی بنای سکونت نبوده و عواملی را نیز که در ارتباط با سکونت هستند (از جمله امکانات و خدمات شهری، مباحث زیبایی‌شناسانه و حتی اثرات روانی اشکال و رنگ‌ها و تناسب عمارت) را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، می‌توان یکی از مظاهر مسکن مطلوب را در فقدان قطب‌بندی‌ها و تضاد بین خدمات در دسترس واحدهای مسکونی و حتی در تجانس و هماهنگی و

تعادل و توازن محلات همجوار قلمداد کرد. به عبارت دیگر، بین محلات شهر (و در نتیجه بین اهالی آن) نبایستی در دسترسی به امکانات عمومی تبعیضی وجود داشته باشد. وجود تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع امکانات و در دسترسی مردم به آنها عامل مهمی در جهت خدشه به وحدت جامعه و بروز تضاد و دوگانگی بین مردم خواهد بود. و برعکس، رفع تبعیض و قطب‌بندی شهر و گرایش به سمت عدالت، زمینه را برای تقویت وحدت و همبستگی جامعه و اهل شهر فراهم خواهد نمود. مورد دیگری که در بحث جامع‌نگری مهم است توجه متعادل به هویت جمعی و هویت فردی جامعه و آحاد آن می‌باشد که در این زمینه نیز رجحان هویت جمعی به هویت فردی امری است که مقوم وحدت و یک‌پارچگی جامعه خواهد شد. فرد و جامعه به عنوان دو عنصر اساسی مطرح در زمینه‌ها و دانش‌های مختلف بشری، هر کدام در هر مکتبی تعاریف و اهمیت خاصی دارند. در مقوله‌ی خاص مسکن مطلوب، توجه به این نکته ضروری است که "مسکن" و به ویژه ظاهر (یا سیما و کالبد) آن به عاملی در جهت خدشه به وحدت جامعه نیانجامد. در این راستا، توجه به مفاهیم

و ارزش‌هایی همچون زیبایی، سادگی، تأکید بر هویت ملی و وحدت اجتماعی؛ و همچنین احتراز از تفاخر فردی، اجتناب از خودنمایی، اجتناب از همشکلی با بیگانه، احتراز از عربانی و احتراز از اموری که سبب ترویج فردگرایی و خدشه به وحدت جامعه می‌گردند ضرورت دارد. توجه به این عوامل خواهد توانست تقویت‌کننده‌ی وحدت و همبستگی جامعه باشد.

توجه انتزاعی به مسکن بدون توجه به عناصر مکمل

آن به عنوان فراهم‌آورندگان محیط مناسب سکونت و بی‌التفاتی به ارتباط آن با فضاهای مجاورش موضوعی است که در تقابل با نگرش وحدت‌گرایانه علی‌رغم وجود کثرت عناصر و اجزاء محیط، در پی ایجاد وحدتی معنوی و کالبدی در محیط است. بنابراین، در طراحی مسکن، توجه به اصل وحدت در کثرت و مد نظر داشتن توأم کلیه موضوعات مرتبط با سکونت موضوعی است که نبایستی از آن غفلت شود. مرعی داشتن کلیت در معماری مسکن مستلزم توجه به مباحثی است که از جمله‌ی آنها عبارتند از: توجه توأمان به جملگی نیازهای مادی و روانی و معنوی و قلمروهای حیات انسان، ملحوظ داشتن ارتباط و تناسب ویژگی‌های مسکن مورد نظر با عملکرد و اشکال مجاور، مرعی داشتن تأثیر شرایط محیطی بر معماری مسکن، توجه داشتن به تاریخ و همچنین نگرش به آینده به همراه ملحوظ‌داشتن نیازهای روز؛ و به طور خلاصه توجه همزمان و متوازن به کلیه‌ی عناصر و عوامل مرتبط با مسکن و محیط (انسان، محیط طبیعی و محیط مصنوع) و جملگی جزئیات و روابط مربوط به آنها.

همکاری و هماهنگی جمیع دستگاه‌ها و تشکیلات اجرایی یکی دیگر از مواردی که امکان ترویج مسکن مطلوب را فراهم می‌آورد، مشروط بر آن که هیچ‌کدام افق فعالیت و اهداف را به قلمرو سازمان خویش منحصر و محدود ننموده و به کل کشور و اهداف بلندمدت ملی بیندیشند. در این حالت است که می‌توان به تحقق تجلی معیارهای کیفی و همچنین ترویج الگوهایی مناسب برای اقالیم متفاوت امیدوار بود. علاوه بر جامع‌اندیشی و وحدت‌گرایی (در عین کثرت) مسئولین و دست‌اندرکاران نسبت به کل کشور، جامع‌اندیشی نسبت به همه‌ی جنبه‌های حیات فرد و اجتماع نیز موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود. علاوه بر آن، توجه جامع به همه‌ی جنبه‌ها و وجوه حیات انسان و نیازهای مرتبط با هر وجه، ضرورتی است که جامعه‌ی معاصر به شدت از کمبود آن رنج می‌برد. در واقع، ریشه‌ی این نیاز را در تمرکز (فعلی) بیش از حد بر جنبه‌های مادی و اقتصادی می‌توان جست‌وجو کرد. بدیهی است که تفکر وحدت‌گرا که جامعیت و کلیت و به عبارت دیگر باور به وحدت در کثرت عالم وجود از تبعات آن هستند،

نمی‌تواند موضوع مسکن را به طور انتزاعی و بدون توجه به سایر موارد مرتبط با آن مورد بررسی قرار دهد.<sup>۱۰</sup> لزوم این جامع‌نگری در ایران اسلامی موضوعیت جدی‌تری می‌یابد. زیرا تفکر اسلامی موضوعات بسیار مهمی را مد نظر دارد که توجه به آنها به عنوان اصول و ارزش‌های بنیادین و اعتقادی که همه‌ی امور به آنها ارجاع می‌گردند، ضرورت دارد. مضافاً این که، جدیت موضوع در ایران به جهت اّصافش به



صفت "اسلامی" می‌باشد که این صفت بیانگر بار فرهنگی غنی و سنگین و شناخته‌شده‌ی اسلام در جهان است جهانیان انتظار دارند که تجلی فرهنگ و عقاید اسلامی را در فراورده‌های فکری و کالبدی این مرز و بوم مشاهده کنند. طبیعی است که یکی از مهم‌ترین این تولیدات و دستاوردها؛ معماری و شهر (محیط زندگی انسان) و از جمله مهم‌ترین جزء آن یعنی "مسکن" است.

محیط شهری متشکل از بسیاری فعالیت‌ها و عملکردهایی است که به هر حال لازمه‌ی زندگی جمعی و شهری هستند. برخی از این فعالیت‌ها تراحم‌هایی با یکدیگر دارند که ممکن است دائمی باشند یا این که بسته به زمان و مکان، از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار باشند. برای مثال، مجاورت یک بیمارستان و یک مدرسه در شب با یکدیگر تراحمی ندارند، همان‌گونه که تراحم یک بزرگراه با مسکن در طول روز آن شدتی را که شب‌هنگام دارد به نمایش نمی‌گذارد. با این حال، با توجه به جمیع جهات بایستی مسکن و رابطه مناسب آن نسبت به سایر عملکردهای عمومی شهر تعریف و مشخص شود.

#### ۴. حفظ و تقویت روابط همسایگی

یکی از راه‌های ایجاد و حفظ و تقویت روابط همسایگی این ارزش، پایداری اسکان است که با طرز تفکر رایج که هر مسکنی را پله‌ی پرتاب به مسکنی دیگر تلقی نموده و احساس توطن و تعلق را بر نمی‌انگیزاند، منتفی است. طبیعی است که وقتی مسکن، رسماً به عنوان یک کالا (آن هم کالای مصرفی) تلقی می‌شود نمی‌تواند به عنوان وطن که باید پاسخگوی نیاز انسان به تعلق به مکان باشد، ایفای نقش نماید. گزارش دفتر امور عمران شهری و روستایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز علی‌رغم آن که مسکن را به عنوان یک نیاز اساسی فرد و خانواده مطرح می‌نماید، اعلام می‌نماید که: «به رغم این موضوع در عمل با مسکن به مثابه یک کالای تجاری برخورد شده و مهم‌ترین تمایل سوداگری است» (روزنامه اطلاعات شماره ۲۲۸۷۵، ۲۹ شهریور ۱۳۸۲، ص ۱۸). و به این ترتیب ملاحظه می‌شود که یک نوع دوگانگی «تفکر» در برخورد با موضوع مسکن رایج است.

فرد و جامعه هر کدام مقام و جایگاه خویش را دارا هستند؛ و توجه به جامعه، در واقع، نوعی تقویت وحدت جامعه است. بنابراین، معیارهای مورد بحث باید به مسائلی بپردازند که به نحوی بتوانند در تقویت وحدت جامعه ایفای نقش نمایند. برای مثال، توجه به ارتباطات رو در رو و ارتباط همسایگان را می‌توان به عنوان معیارهای مناسب معرفی نمود. یکی از معیارها را می‌توان در وجود سلسله‌مراتب منطقی بین فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی دانست که امکان تماسهای رو در رو با سایرین را افزایش می‌دهد. برای نمونه، مطالعات بسیاری بیانگر تقلیل ارتباطات اجتماعی و همسایگی ساکنین ساختمان‌های بلند نسبت به بافت‌های معمولی شهری است (امین‌زاده، ۱۳۷۷ و Gelb, 1977 & Joo, 2000).

#### ۵. حفظ و ارتقاء توجه به خانواده و روابط خانوادگی

خانواده به عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین واحد و اجتماع انسانی مهد پرورش انسان است که نه تنها در کودکی و نوجوانی که در بزرگسالی و حتی در کهنسالی نیز در رشد شخصیت و احساس امنیت و هویت او نقشی در خور توجه ایفا می‌نماید. تضعیف ارکان این نهاد هر چقدر هم که کم باشد تبعات نامطلوب انسانی و فرهنگی و اجتماعی در پی دارد و به این ترتیب، توجه به ویژگی‌های مسکنی که بقا و دوام این نهاد را تضمین نماید ضرورت هر نوع برنامه‌ی تولید مسکن است.

این زمینه اگر چه تحقیقات مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند، اما در این مجال به نکاتی اشاره می‌شود. مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان، موردی است که آسایش خانواده سخت بدان وابسته است. فی‌الواقع، مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ی مناسب، از مشرف قرارگرفتن در امان بماند. شاید عده‌ای نصب پرده‌های ضخیم یا پنجره‌های کوتاه در ارتفاع و مانند آن را راه‌حل مناسبی برای تأمین این نیاز اساسی خانواده و مصون بودن از اشراف بدانند، اما باید توجه کرد که این روش‌ها روش‌هایی تدافعی و موردی هستند که روند جاری زندگی را که از جمله‌ی آنها استفاده از نور و هوای مناسب است، مختل می‌نمایند. مورد دیگری که در این رابطه مطرح است ارتباطات صحیح فضاهای داخلی به گونه‌ای است که

غریبه‌ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته باشند و قلمرو اعضای خانواده (والدین و فرزندان دختر و پسر) نیز به طریق مناسب از یکدیگر تفکیک شوند (ر.ک: نور: ۵۸ و ۵۹). بنابراین، مصونیت مورد نظر برای مسکن مطلوب، عبارت از مصون بودن فضای داخل مسکن از دید بیگانگان و همچنین تنظیم سازمان فضایی و ارتباطات مناسب در داخل مسکن می‌باشد. برای مثال، مکان‌هایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده و فعالیت‌های فردی باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشند. در حالی که اطاق‌های خاص (مثل اطاق والدین) باید از دید سایر اعضا خانواده نیز دور باشد.

آرامش اعضاء خانواده کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است. انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است، که این جهات، ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی می‌باشند. انسان برای انجام عبادت نیازمند مکانی آرام است تا حضور قلب لازم برایش فراهم گردد. همچنین وجود فضای آرام، یکی از لوازم اصلی تفکر به عنوان فعالیت توصیه‌شده در فرهنگ اسلامی است. مطالعه و کسب دانش و درس‌خواندن فرزندان خانواده و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی نیز نیازمند آرامش است. فراهم آمدن امکان گفت‌وگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن به وجود آرامش بستگی تام دارد. علاوه بر آن، برای انجام بسیاری فعالیت‌های فردی و جمعی دیگر از جمله استراحت و تماس‌های رو در رو با اقوام و دوستان و همسایگان، وجود محیطی آرام ضرورت دارد. ایجاد محیط آرام در مسکن نیز به عواملی همچون مکان‌یابی مسکن نسبت به سایر عملکردها، مصالح مصرفی، سلسله‌مراتب بین درون و برون و وسعت آن وابسته است. یکی از اصلی‌ترین زمان‌هایی که باید طی آن آرامش مسکن تأمین باشد، طول شب است. گذشته از همه‌ی اینها وجود آرامش و محفوظ ماندن در برابر همه‌ی غوغاهای برهم‌زننده‌ی آرامش، نیازی است که نه تنها مسکن که همه‌ی فضاهای شهری و معماری نیازمند آن هستند، تا حفاظت انسان در مقابل تبعات منفی معنوی و روانی و فیزیولوژیکی آنها ممکن گردد.

خانه‌ی مسلمان حرم او است. خانه محل سکونت است که «سکونت» در زبان‌های فارسی و عربی و حتی در زبان عبری به معنای سکینه و آرامش است.<sup>۱۱</sup> «کلمه‌ی سکینه از ماده‌ی سکون است، که خلاف حرکت است، و این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود، و معنایش «قرار» گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۸).<sup>۱۲</sup> به این ترتیب، مفهوم و معنای کلمه «ساکن»، علاوه بر آن که به بُعد مادی زندگی اشاره دارد، بر حیات معنوی و روانی انسان یا به عبارتی به وجه بنیادین زندگی انسان نیز متمرکز و ناظر است. به این ترتیب، هم ابعاد مادی آرامش و آسایش (مثل فقدان سر و صدا و آلودگی صوتی و تنظیم شرایط محیطی) ضرورت مسکن مطلوب‌اند، و هم آرامش خیال در برابر جملگی عواملی که ممکن است آرامش قلبی و روحی انسان را مخدوش نمایند از ویژگی‌های اصلی مسکن مطلوب هستند. برخی موضوعاتی که به ویژه در بعد معنوی مصلحت آرامش انسان هستند عبارتند از: برخی فعالیت‌های همسایگان که مولد انواع آلودگی‌ها باشند، احتمال در معرض دید بیگانگان بودن، فقدان مراتب مختلف امنیت فیزیولوژیکی و روانی

و فرهنگی، در اختیار نبودن فضای کافی برای افراد خانواده و اختلاط قلمروها که فراهم بودن امکان پذیرایی از میهمانان را ناممکن می‌کند؛ و حتی ارتباطات و سازمان فضایی نامناسب درون خانه.

“خلوت” مسکن از معیارهایی است که به همراه سایر معیار فوق‌الاشاره ضرورت محیطی مناسب زیست انسان می‌باشد. اگر ارتباط انسان با جهان هستی را به روابط چهارگانه‌ی ارتباط با محیط‌های طبیعی و مصنوع و جامعه و “خویشتن” تقسیم کنیم (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴)، وجود خلوت در محیط زندگی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی محیط است که می‌تواند به ایجاد زمینه‌ی مناسب رابطه‌ی انسان با “خویش” بیانجامد. علاوه بر آن، آسایش خانواده و فراهم‌آمدن امکان ارتباط مناسب اعضاء آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند خلوت مسکن می‌باشد. بنابراین، می‌توان “خلوت” را ویژگی خاصی از مسکن دانست که به تناسب نیاز فرد یا افراد و همچنین در رابطه با هر فعالیت معنای خاص خود را خواهد داشت. برای مثال، خلوت مطلوب برای عبادت با خلوت مورد نیاز برای برپایی محافل دوستانه و خانوادگی یا خلوت لازم برای مطالعه متفاوت خواهند بود.

تنظیم ارتباطات درونی و بیرونی خانواده نیز می‌تواند ویژگی مسکن مطلوب باشد. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ارتباطاتی با خویش، با اعضاء خود و با جهان خارج دارد. طبیعتاً هر یک از این ارتباطات نیازمند فضا(ها)یی مناسب برای فعالیت‌های فردی و جمعی است که در مسکن رخ می‌دهند. ارتباطات این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسبشان با ویژگی‌ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح هستند و همچنین تناسبشان با فعالیت‌های مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب می‌نمایند. بنابراین، مسکن مناسب، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد بنیادین اجتماعی (خانواده) فراهم می‌نماید. امروزه که بسیاری شرایط اجتماعی، نوع اشتغال، ویژگی‌های وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون و به ویژه تلویزیون اختصاصی در هر اطاق، رایانه و تجهیزات جنبی آنها مثل هدفون)، تمایل به جدایی از خانواده در میان جوانان، ترک خانواده از سوی جوانان و تنها نهادن سالمندان، تغییر در سازمان فضایی مسکن و میل به دارا بودن فضایی اختصاصی (اطاق) از سوی تک‌تک افراد خانواده و بسیاری موضوعات از این دست، به عنوان عوامل دوری اعضاء خانواده از یکدیگر عمل می‌کنند، بر برنامه‌ریزان و طراحان است که به طریق مناسب در جهت تضعیف تأثیر این عوامل و تقویت ارتباط اعضاء خانواده با استفاده از ویژگی‌ها و آئین‌ها و مراسم و ارتباطات فرهنگی اقدام کنند. و خانه‌ها را از محل ملاقات‌های احتمالی و حتی اجباری اعضاء آن برهانند.

## ۶. امنیت

ویژگی‌های معماری مسکن مطلوب بایستی به‌گونه‌ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خویش فراهم آورد. این امنیت اعم از امنیت در مقابل بلاها و سوانح طبیعی و غیرطبیعی، امنیت در برابر تجاوزات سایر احاد جامعه، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی، امنیت روانی، امنیت فرهنگی و سایر جنبه‌های امنیت می‌باشد. در جهت تأمین امنیت، منظور داشتن عوامل زیر توصیه می‌شوند: مکان‌یابی مناسب مسکن نسبت به سایر عملکردهای شهری، انتخاب مصالح

مناسب که الزاماً مصالح گران‌قیمت نیستند، اتخاذ روش‌های مناسب ساخت، پیش‌بینی تمهیدات لازم برای تقلیل خسارت به هنگام وقوع سانحه و مکان‌یابی مناسب مسکن در ارتباط با عملکردهای مولد انواع آلاینده‌ها به ویژه آلودگی هوا و آلودگی صوتی. قابل ذکر است که به ویژه در جامعه‌ی اسلامی، امنیت روانی و امنیت فرهنگی از بارزترین وجوه امنیت انسان هستند. علاوه بر مباحث مرتبط با مراتب مختلف هویت که از این وجوه از امنیت متأثر هستند، عوامل عیدهای نیز بر این انواع امنیت تأثیرگذار هستند، که از جمله‌ی آنهاست: خودستایی، عربانی، برون‌گرایی، نمایش خود، تناسب غیرمتعارف فضایی، ترغیب به مصرف و امثالهم.

به این ترتیب، بارزترین مصادیق امنیت عبارتند از: امنیت فرهنگی، امنیت روانی، امنیت اخلاقی، امنیت در برابر گناه، امنیت فکری و سایر وجوه و مراتب معنوی و روانی امنیت. در دوره‌ی معاصر؛ حتی در مقوله‌ی امنیت فیزیکی نیز، ویژگی‌های کالبدی مقابل چشم؛ علاوه بر آن که احساس فقدان یا خدشه‌دار بودن امنیت را به ساکنین منتقل می‌کند، این شرایط نامطلوب (یعنی فقدان امنیت) را به ناظرین نیز القا می‌نماید. در حالی که مسکن تاریخی ضمن تأمین امنیت ساکنین، فضای مطلوبی را برای فعالیت‌های خانوادگی و فردی آنان فراهم می‌کرد و دیگران نه تنها به سهولت قادر به خدشه‌دار کردن امنیت آنها نبودند که حتی وسوسه‌ی آن را نیز به خود راه نمی‌دادند، سیمای عمومی ساختمان‌های مسکونی معاصر نه‌تنها این احساس و القاء امنیت را به ذهن ساکنین و مردم متبادر نمی‌کنند، که فراتر از آن، مردم را به زیستن در زندان‌های خودساخته (پشت میله‌ها) مجبور می‌کنند.

در مورد امنیت می‌توان گفت که امنیت مورد نظر، برای دو گروه مد نظر می‌باشد: یکی ساکنین و دیگری سایر افراد جامعه که به گونه‌ای با ساختمان‌های مسکونی در ارتباط می‌باشند. به این ترتیب، همسایگان باید از تحت اشراف و نگاه دیگران بودن در امان باشند. همسایگان باید از ترافیک و آلودگی ناشی از تردد همسایگان در امان بمانند. اهل شهر باید از تبعات زیست‌محیطی بلندمرتبه‌ها در امان باشند.

## ۷. هویت

هویت، اصلی است که جهان‌بینی اسلامی به جد آن را مورد تأکید قرار داده است. هویت را نمی‌توان به صورت بخشنامه‌ای و آمرانه به جامعه القاء نمود، بلکه هویت باید نشان از استقلال و خودباوری و عزت جامعه باشد. در غیر این صورت و در صورت تقلید از هویت بیگانه، هویت دیگران ترویج و تبلیغ می‌شود و نوعی از احساس حقارت و از خود بیگانگی را در جامعه به وجود می‌آورد. در مقوله‌ی هویت، معیارهایی همچون: هویت معنوی و جمعی، استقلال، احتراز از خودنمایی، فرم و شکل و کاربری مناسب، بوم‌آوری و هویت ملی را می‌توان معرفی کرد.

هویت شهرهای تاریخی ایرانیان چنان بارز و واضح و واجد ویژگی‌های خاص خود و متمایز با شهرهای غیرایرانی و به ویژه شهرهای کشورهای غیراسلامی است که بیگانگان اولین کسانی بوده‌اند که به این هویت و وجه تمایز اشاره کرده‌اند. اندیشمندان و مهندسين ایرانی در دوره‌ی معاصر نیز چنان بر این هویت و ارزش آن تأکید دارند که عموماً بافت‌ها و شهرهای جدید و توسعه‌های متأخر را بی‌هویت می‌نامند. جلوه‌های بارز هویت



شهرهای تاریخی ایرانی را در وجوه مختلف آنها از جمله هویت کالبدی، هویت عملکردی، هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت محیطی، هویت طبیعی، هویت دینی، هویت انسانی، هویت اکتسابی، هویت ملی و هویت اجتماعی آنها می‌توان تمیز داد (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۶).

هویت انسان و رابطه این هویت با هویت متعلقات و آثار انسان (از جمله مسکن او) که می‌توان از آن به رابطه‌ی «این‌همانی» انسان با آثارش، یا تجلی هویت انسان در آثار و متعلقاتش تعبیر نمود، موضوع بنیادین مورد توجه انسان است.<sup>۱۳</sup> به این ترتیب، طبیعی خواهد بود که مسکن انسان به نوعی با هویت او مرتبط باشد. در این وادی آنچه مهم است تقویت هویت انسانی و فرهنگی و معنوی انسان و گرایش او به سمت همراهی با جامعه و احساس وحدت با جمع می‌باشد. برعکس، مسکن نباید انسان را به سمت احراز و نمایش انحصاری هویت فردی و مادی سوق داده و به عنوان عامل رشد فردگرایی و ضعف وحدت جامعه و جمع ایفای نقش نماید. در واقع، احراز متعادل هویت فردی و جمعی و مادی و معنوی انسان شاخص مهم ارزیابی مسکن مطلوب است.

مباحث مرتبط با هویت و از جمله هویت ملی، هویت معنوی و هویت جمعی به شدت مظهر هویت‌های بیگانه شده و به جای آنها هویت کاذب مادی و فردگرایی رشد یافته است. موضوع دگرگونی فرهنگی پدیده‌های است که به صورت مسأله غامض عصر حاضر درآمده است. چون که «ساختمان‌های مدرن نشانه‌ی زندگی‌های مدرن‌اند. ساختمان‌های بلند مدرنی که در این قرن ظهور کرده‌اند. مشخصه‌های فرهنگ مدرن به ویژه فرهنگ مدرن غربی را منعکس می‌کنند. آنها تمدن بشری را نیز به جلو می‌برند و شبوه‌ی زندگی مدرن را در همه‌ی شهرها و مناطق مختلف دنیا گسترش می‌دهند» (لی و دیگران، ۱۳۷۵). در این مقوله برای نمونه می‌توان به ساختمان‌های بلند اشاره کرد. تقریباً هیچ‌کس برای عمارات بلندمرتبه‌ی موجود در ایران هویتی ایرانی و اسلامی و ملی قائل نیست و علی‌رغم طراحی (تقلید) و ساخت آن با مصالح ایرانی و اشغال آن توسط ایرانیان کسی آنها را به عنوان نمادی از معماری اصیل ایرانی نمی‌شناسد. وضعیت اسفناک حاصل از این تفکر، آن است که به مرور معماری ایرانی مضمحل شده و این فکر القا می‌شود که تنها عمارات قدیمی خشتی، ایرانی‌اند. و به مرور این اشتباه ظهور می‌کند و رواج می‌یابد که معماری ایرانی برای زندگی امروز تناسب نداشته و چیزی به نام معماری ایرانی امکان بقا نخواهد داشت. از جنبه‌ی دیگر، به دلیل اختصاص بلندمرتبه‌ها به عملکردهای مادی و اقتصادی و خصوصی، که با تکرار فرم‌های بیگانه تقویت می‌شود، عمدتاً هویتی مادی داشته و فاقد هر گونه هویت معنوی و توان یادآوری و تذکر ارزش‌های معنوی هستند. هویتی که این ساختمان‌ها به جهت کالبدی و عملکردی برای شهر و محله به ارمغان می‌آورند، عاری از هویت جمعی، و برعکس تأکیدکننده هویت فردی یا هویت‌هایی هستند که بر قطب‌بندی‌های اجتماعی تأکید دارند.

#### ۸. ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن

چنانچه از مباحث مربوط به تأکید تعالیم اسلام بر تفکر و تدبّر و تعقل در طبیعت و عناصر طبیعی به عنوان آیات الهی، می‌توان استنتاج کرد، توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آنها؛ یکی از اصلی‌ترین شرایط و ویژگی‌های مسکن مطلوب می‌باشد.

همچنین یکی از اصلی‌ترین ارتباطات انسان با عالم وجود، ارتباط او با طبیعت است (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴). فراهم بودن این ارتباط که کثرت تأکید بر لزوم آن در تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی، لزوم دخول در جزئیات آن منتفی می‌نماید (ر.ک: قرآن کریم، نهج‌البلاغه، امام جعفر صادق، ۱۳۵۹، جعفری، ۱۳۶۲، ج ۳) امر مهمی است که می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای اصلی مسکن مطلوب مطرح شود. علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن (به عنوان مهم‌ترین و بیشترین اثر معماری مستحده توسط انسان در زمین) با طبیعت (محیط، عناصر، سیما، مناظر، مصالح و زیبایی‌های طبیعی) ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین، انسان از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس نزدیک و مداوم با آنها نیازمند است. در این مقوله، توجه به چند نکته اهمیت دارد. ۱- این که این تماس بایستی در یک سلسله‌مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کوچه و خیابان و محله و شهر و حتی خارج شهر (طبیعت بکر) برقرار باشد. ۲- عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای معنوی و روانی انسان، با توجه به معانی نمادینشان، دارند شناسایی و دسته‌بندی و به مردم یادآوری شوند و امکان تماس با آنها برقرار گردد. ۳- به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده و این نقش مهم به مردم معرفی شود. علاوه بر آن، ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن نقشی بسیار مهم ایفا می‌نمایند و نکته‌ی مهم در این مقوله آن است که ابنیه به گونه‌ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیم‌کننده‌های مصنوعی برای تنظیم شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد. در این صورت است که نه تنها در بلندمدت فواید زیست‌محیطی و حتی صرفه‌های اقتصادی فراوانی برای جامعه خواهد داشت، بلکه در جهت خودکفایی و احراز هویت ملی نیز عمل خواهد کرد. نکته‌ی بعدی در ارتباط با بهره‌گیری از طبیعت عبارت از شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده از آنها در طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع و از جمله مسکن است. این موضوع به وظیفه‌ی مهم انسان به عنوان خلیفه‌الله رجوع داده می‌شود که در جهت حفظ امانت الهی بایستی اصول حاکم بر اعمالش را اصولی قرار دهد که در افعال و خلقت الهی مشاهده می‌شوند (ر.ک: نقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۴).

اگر چه این ویژگی بارز غالب مجتمع‌های زیستی دوران گذشته در بسیاری از جوامع بود که هر واحد مسکونی دارای فضای باز اختصاصی بود، اما این ویژگی در شهرهای تاریخی ایرانی با ویژگی‌های کاملاً شاخصی وجود داشت. جملگی خانه‌ها، مدارس، مساجد، کاروانسراها و عمارات عمومی و خصوصی دارای حیاطی بودند که به تناسب وسعت و عملکرد خویش آب و گیاه و نور طبیعی و جریان هوا و حیوانات را در خویش داشتند و به این ترتیب هر کدام پذیرای استفاده‌کنندگان خویش بودند. این فضاها ارتباط انسان با آسمان و ماه و ستاره و خورشید را نیز برقرار می‌کردند. حتی در مجتمع‌هایی که به دلیل شرایط خاص اقلیمی (کمبود زمین، عدم دسترسی به منابع آب در واحدهای مسکونی، صخره‌ای بودن و مانند آنها) بافت کاملاً فشرده و بدون حیاط را دارا بودند، به روش‌های دیگری، از قبیل دسترسی بسیار نزدیک به طبیعت

پیرامون، اشتغال در محیط طبیعی و گذران و انجام برخی فعالیت‌ها در بام خانه‌ها این ارتباط برقرار بود.

با عنایت به تجارب جوامع بشری و فرهنگ اسلامی - ایرانی، مناسب‌ترین شیوهی برخورد انسان و طبیعت آن است که در عین حالی که انسان را اشرف مخلوقات و ارجح بر جهان می‌داند که عالم را برای او مسخر قرار داده‌اند،<sup>۱۴</sup> به این مورد مهم نیز توجه دارد که انسان در جهان و با جهان زندگی می‌کند و حیات طیب او بستگی تامی به پاکی و سلامت جهان دارد.<sup>۱۵</sup> بنابراین در عین بهره‌گیری از جهان باید به شناسایی قوانین حاکم بر آن (سنن الهی) همت گماشته و اعمال خویش را با آنها هماهنگ نماید. در جامعه‌ای با این تفکر و با این روش است که نه تنها به راحتی پذیرای آرای منطقی و انسانی ظاهراً جدید همچون توسعه‌ی پایدار است، که به بالاتر از آن می‌اندیشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵)، و در صورت همت‌کردن؛ توانایی تکامل و غنا بخشیدن به آن و ارائه‌ی سهمی مهم در ارتقاء دانش بشری دارد. در چنین جامعه‌ای نشان از خروج از تعادل به چشم نمی‌خورد، و ارتباط انسان با عناصر طبیعی در فضاهای

مختلف شهری برقرار است. ممکن است این موضوع مطرح شود که در گذشته ابزار و وسایل و امکانات تخریب‌کننده و آلوده‌کننده‌ی محیط وجود نداشت، و به بیان دیگر همزیستی با طبیعت امری طبیعی و محتوم و ناگزیر بوده است. باید توجه کرد که عامل تخریب محیط، تنها صنعت و ماشین و ابزار و ادوات نیستند، بلکه آنچه مهم و عامل اصلی تخریب و آلودگی محیط و طبیعت است، ویژگی‌های

اخلاقی و عملی انسان می‌باشد که با به کار بردن نامناسب ماشین و در جهت ارضای امیال خویش طبیعت را نابود می‌کند. این ماشین نیست که طبیعت را تخریب می‌کند، بلکه آرز و حرص و طمع انسان است که طبیعت را تخریب می‌نماید. طبیعی است ماشینی که در خدمت امیال انسان قرار گیرد (همچون تیغ در دست زندگی مست) تخریب طبیعت را تسهیل و تشدید می‌کند.

مقایسه‌ی دو نوع نگرش به طبیعت و عناصر طبیعی در دوران سنت مدرن<sup>۱۶</sup> موضوع را روشن می‌کند. بدون دخول در این مباحث که در مواضعی دیگر به آنها اشاره شده است، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که مطابق بسیاری از آرا متفکران، بزرگترین عامل تخریب طبیعت و محیط زیست و آلودگی انسان‌ها نتیجه‌ی بحران اخلاقی انسان دوران مدرن است و نه صرف ماشین (ر.ک: نصر، ۱۳۷۷-۷۸، همو، ۱۳۷۹ و سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۰). در عین حال، توجه کنیم که برای نمونه، آلودن آب، در گذشته، که بسیاری قنوت و مسیره‌های آب از معابر و فضاهای اصلی و حتی از داخل خانه‌ها می‌گذشتند، می‌توانست

ممکن و بسیار ساده باشد. اما تنها عاملی که انسان‌ها را از این امر بر حذر می‌داشت اعتقادات و باورهای معنوی و اخلاقی آنان بود. همین طور است در مورد آلوده کردن خاک و محیط زندگی. توجه کنیم که در شهرهایی که اداری خدمات شهرداری و جمع‌آوری زباله یا رفت‌وروب معابر وجود نداشت، وجود زباله‌ها یا کثیفی و آلودگی معابر نیز وجود نداشت و این مهم را همه‌ی مردم با احساس تعهدات اخلاقی و به تبعیت از آموزه‌های دینی انجام می‌دادند. اگر این وضعیت را با وضعیت شهرهای

اروپایی آن دوران مقایسه کنیم موضوع روشن می‌شود. بوم‌آوری معیاری است که علاوه بر تذکر و تقویت استقلال و عزت جامعه‌ی اسلامی نشانه‌ای از استفاده‌ی صحیح از هر چیزی است که در اختیار جامعه می‌باشد. این معیار که به عنوان یکی از مبانی معماری ایرانی نیز معرفی شده است (پیرنیا، ۱۳۶۹)، امروزه به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌ها و مبانی توسعه‌ی پایدار نیز مطرح می‌باشد. اکثریت ساختمان‌های بلندمرتبه‌ی مستحده در ایران معاصر (نه در طرح، نه در شکل، نه در مصالح انتخابی، نه در تناسبات و نه در ارتباط با بافت شهر)

نشانی از بوم‌آوری و بومی بودن ندارند. مروری اجمالی بر تاریخ معماری و احداث ساختمان‌های بلند منفرد (همچون مساجد و مآذنه‌ها و کلیساها و میل‌ها و برج‌ها) و حتی مجتمع‌های مسکونی وسیع نظیر آنچه در بابل و آتن و یمن و روم و بیزانس در ارتفاعات حتی ۳۰ متر و تا ده طبقه در گذشته بنا می‌کردند (شولز، ۱۳۷۵)، دلیل روشنی است بر ردّ این نظریه که برای بلندمرتبه‌ها صرفاً بایستی از مصالح مدرن استفاده



کرد. البته سخن در نفی مصالح مدرن و بازگشت به استفاده از خشت و چوب نیست؛ بلکه در اینجا به دو نکته‌ی بنیادین اشاره می‌شود. اول این که در مقوله‌ی مصالح نباید دنباله‌رو اکتشافات و اختراعات بیگانگان بود و باید دست به کار شد و خود نیز با امکانات در دسترس به کشف و اختراع مصالحی همت گماشت که بتوانند با هویتی ملی مطرح شوند و پاسخگوی نیازهای تکنیکی روز باشند و به استقلال و خودکفایی کشور کمک کنند. دیگر این که به روند جذب ضایعات ساختمانی در طبیعت توجه شود که چه آسیب غیرقابل‌تصویری به طبیعت وارد می‌شود و این در حالی است که ضایعات مصالح سنتی و بومی به آسانی در طبیعت قابل هضم بوده و خسارتی به آن وارد نمی‌کنند.

## ۹. رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی

متون اسلامی مشحون از تذکراتی در مورد اهمیت عدل و لزوم رعایت آن در جملگی زمینه‌های زندگی است. ضمن آن که "عدالت" معنای وسیعی را در بر گرفته است. با توجه به فرموده‌ی نبی مکرم اسلام<sup>ص</sup> که فرموده‌اند: "بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ: آسمانها و زمین

با عدل برقرار است، "می‌توان به جمیع اموری که به عدل مربوط یا از آن مشتق شده باشند، به عنوان معائیری برای ارزیابی فعالیت‌های انسان توجه کرد. اهم این معائیر در زمینه‌ی مورد بحث عبارتند از: تعادل بین جنبه‌های معنوی و مادی حیات، تعادل در انتخاب کاربری، انتخاب محل استقرار مناسب، تعادل در فضای باز و ساختمان، تأمین خدمات شهری مناسب، تعادل بین محیط مصنوع و طبیعت و سایر مصادیق تعادل و میانه‌روی.

تعادل به عنوان بارزترین ویژگی و بنیادی‌ترین اصل حاکم بر عالم وجود که مشتق از عدل می‌باشد، اصلی است که رعایت آن در هر گونه طرح و برنامه‌ی توصیه شده و می‌تواند فراهم‌آورنده‌ی امکان تجلی بسیاری ارزش‌ها و مفاهیم و معیارهای دیگر باشد. در ارتباط با مسکن، رعایت تعادل در زمینه‌های زیر اهمیت بیشتری دارد: تعادل در پاسخگویی به نیازهای مختلف (مادی، روانی و معنوی) انسان، حفظ و تقویت تعادل‌های محیطی، تعادل در پاسخگویی به نیازهای توأم فرد و خانواده و جامعه، تعادل در مصرف منابع طبیعی و تعادل در فرهنگ و الگوی مصرف. مضافاً این که تعادل (به تبعیت از اصل عدل) در جای خود قرار گرفتن هر جزء است؛ و معرفی کل مسکن به نحوی است که بهترین بازدهی معنوی و مادی را داشته باشد.

ویژگی تعادل که مصادیق و تجلی عدالت حاکم بر عالم هستی است، اصل توصیه‌شده‌ی تعلیم اسلامی برای جملگی امور مسلمانان است که مباحث و صفاتی چون حنیف، وسط، قصد (اقتصاد) و میزان که برای اسلام یا مسلمانان ذکر شده است (لقمان: ۱۹، بقره: ۱۴۳، مائده: ۶۶ و جوادی‌آملی، ۱۳۶۶)، به نحوی به آن ارجاع می‌شوند. مصادیق مختلف تعادل را در رعایت تعادل در توجه به ابعاد و نیازهای معنوی و مادی انسان، ایجاد و حفاظت از تعادل بین محیط طبیعی و محیط مصنوع، و تعادل در دسترس جامع به امکانات و خدمات عمومی شهر می‌توان مورد بررسی قرار داد (Naghizadeh, 2000a & Naghizadeh, 2000b). برنامه‌ریزی ملی برای گسترش عدالت اجتماعی و کسب درآمد مناسب و دسترسی به امکانات لازم برای زیست انسانی در همه‌ی مجتمع‌های زیستی ضرورتی انکارناپذیر است که توسط آن می‌توان از کوچه‌های بی‌رویه‌ای که در پی تأمین زندگی مادی و دنیایی است پیشگیری نمود. مضافاً این که رفع قطب‌بندی‌های مختلف در یک شهر نیز راهی برای امحاء مسائل و مشکلاتی است که زمینه‌ساز تقابل‌های اجتماعی و انسانی و بالتجیه بحران امنیت می‌گردند. توجه به امر سکونت (و ایجاد شرایط سکونت مطلوب) به جای تمرکز بر تولید سرپناه موضوعی است که می‌تواند شرایط عادلانه‌ی زندگی را برای انسان‌ها فراهم آورد. به این ترتیب، فضای خانه و مسکن، نه تنها باید سرپناه انسان و رافع نیازهای فیزیولوژیک او باشد، که فراتر از آن، باید بتواند زمینه‌ی مناسب رشد کرامت‌های انسانی و پاسخگویی نیازهای روحی و روانی او نیز باشد. توجه به این نکته، مهم است که: اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به حق، از "مسکن مناسب" (و نه مسکن حداقل) سخن می‌گوید و البته که ویژگی‌های این تناسب نیز باید از جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی استخراج و معرفی شود.

به همین دلیل است که در طرح مسکن حداقل توجه به "ویژگی‌ها و ابعاد کمی و کیفی مسکن" به گونه‌ای که فضای سکونت‌ی مورد نیاز و متناسب با خانوارهای ایرانی باشد توصیه می‌شود (حبیبی و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۲). سخن در این است که ارزش‌های مطرح در فرهنگ ایرانی و شأن خانواده‌ی ایرانی باید مورد توجه قرار گیرند و از آنچه این ارزش‌ها و این شأن را تضعیف و خدشه‌دار می‌کند احتراز شود. اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز "داشتن مسکن متناسب با نیاز" را "حق هر فرد و خانواده ایرانی" می‌شمارد و دولت را موظف می‌داند که با "رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائین و کارگران زمین‌ی اجرای این اصل فراهم کند."

توجه کنیم که میانه‌روی، به عنوان جلوه‌ای از تعادل به هرگونه خروج از عدالت و تعادل اطلاق می‌شود که مصداق بارز آن را می‌توان "اسراف" نامید که در همه‌ی امور باید از آن احتراز کرد. این موضوع، یکی از تعالیم قرآنی است که به هرگونه خروج از تعادلی، اسراف اطلاق می‌شود. به طور نمونه فرعون به دلیل برتری‌جویی‌اش در زمین مسرف نامیده می‌شود (یونس: ۸۳ و دخان: ۳۱). قوم لوط نیز به جهت خروجشان از جاده‌ی تعادل و روش زیست طبیعی به عنوان قومی مسرف معرفی شده‌اند (اعراف: ۸۱). غفلت نیز با اسراف مرتبط است (یونس: ۱۲). خلاصه این که هرگونه فساد و تباهی در زمین و هم‌چنین ضدیّت با اصلاح در زمین نیز مصداق اسراف هستند (شعراء: ۱۵۲-۱۵۱). توازن نیز از ویژگی‌ها و صفاتی است که می‌تواند در قالب میانه‌روی مطرح شود، که همه چیز موزون خلق شده‌اند. <sup>۱۷</sup> و عدل (که مبنای همه صفات پسندیده و جمع فضیلت‌هاست)، موزون است. در مورد مفهوم موزون بودن عدل می‌توان گفت: "اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزا و ابعاض مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی از آن منظور است، باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بدهد و نقش منظور را ایفا نماید" (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۵۹). موزون و متعادل بودن به نوبه‌ی خود مستلزم نظم و حساب و جریان معین و مشخصی است. و این در واقع همان حدیث نبوی است که می‌فرماید: "بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ."

میانه‌روی که همان مشی در حد تعادل و اجتناب از افراط و تفریط است از کیفیاتی است که در به تعادل رساندن جامعه ایفای نقش می‌نماید. جنبه‌ای از میانه‌روی عبارت از اجتناب از اسراف و تبذیر است که در مقولاتی همچون انتخاب مصالح و شیوه‌های ساخت و تنوع فضاهای درونی مسکن و هر آنچه بتوان آن را به عنوان خروج از تعادل ذکر کرد، بروز می‌نماید. علاوه بر آن، میانه‌روی به معنای اجتناب از لغو و بطلت است که این اعراض و دوری به عنوان ویژگی مؤمنین ذکر شده است: "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ: همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند آنان که در نماز خاضع و خاشع هستند و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و اعراض می‌کنند" (مؤمنون: ۳-۱). جملگی این‌ها، هشجاری جامعه را در تقابل با موج ترویج مصرف‌گرایی و مدگرایی شایعی طلب می‌نماید که دنیای صنعتی و مادی‌گرایی معاصر به شدت مبلغ و مروّج آن است



حدود و حرایم در شهرهای تاریخی، هم برای عناصر و هم برای فضاهای شهری، هم برای هر یک (یا هر گروه از) شهروندان و هم برای کل شهر به وضوح و روشنی وجود داشت. حدود و حرایم نه تنها وجود داشتند، که رعایت آنها نیز علاوه بر آن که از طریق سازمان فضایی تعریف شده و سلسله مراتب موجود به ناظر القا می‌شد، شهروندان هم به تبع سیطره‌ی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، خویش را ملزم به رعایت آنها می‌دانستند. بارزترین حرائم؛ مخصوص واحدهای مسکونی و فضاهای باز آنها بود. مکان‌گیری فضاهای مختلف یک خانه نسبت به خانه‌های مجاور و نسبت به فضاهای عمومی، چه از نظر ارتفاع، چه از نظر فاصله، چه از نظر ارتباط بصری و حتی از نظر بویایی و شنوایی به‌گونه‌ای بود که کمترین امکان ارتباط بین درون و بیرون وجود داشت. به این ترتیب، نه تنها احساس امنیت به ساکنین القا می‌شد، که دیگران نیز از امکان بروز گناه یا خطا یا تجاوز به حقوق فردی دیگران مصون نگه داشته می‌شدند. پس از آن بن‌بست‌ها و کوی‌ها و حتی محلات بودند که با حدود تعریف شده‌شان امکان تجاوز نامناسب و ناخواسته به حریم خویش را تقلیل می‌دادند. این حدود و حرایم در بسیاری یا قریب به اتفاق موارد از طریق در و دروازه و امثال آن نبود و از طریق عناصر شناخته شده‌ای همچون پله، ساباط، چهارطاقی، یک گردش، تغییر مصالح و از این قبیل عناصر کالبدی؛ به ناظر القا و معرفی می‌شدند.

در پاسخ به برخی از اصول و معیارهای مطرح‌شده در مورد مسکن مطلوب همچون خصوصیت و خلوت و حرمت خانواده و ارتباط با طبیعت، یکی از مهم‌ترین ابزار و شیوه‌های تحصیل و تأمین آنها رعایت درون‌گرایی است. این اصل، برگرفته از عناصر تاریخی معماری ایران است که اکثریت قریب به اتفاق عناصر شهری و معماری مظهر آن بوده‌اند. علاوه بر معیارهای مطروحه، توجه به بسیاری از ارزش‌های اسلامی نیز در درون‌گرایی نهفته است، همچون: توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر)، توجه به حیا، عدم تفاخر و ریا و خودنمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرایی، از بین بردن زمینه‌ی رشد عجب، تقویت وحدت جامعه و نمایش وحدت کالبدی. ضمن آن که به تعبیر بورکهاردت خانه‌ی درون‌گرای مسلمین رو به آسمان دارد.<sup>۱۹</sup> این شیوه معماری، علاوه بر این که به طور نمادین، توجه انسان به خدا و همچنین پشت کردن به دنیا را به نمایش می‌گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در انفس و در درون خویش است که به تبعیت از تعالیم قرآنی، به همراه سیر در آفاق، همواره مورد توجه عرفای مسلمان بوده است. سَبِّهِمْ آیَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ مَا آيَاتِ قُدْرَتِ وَ حَكْمَتِ خُودِ رَا فِي آفَاقِ جِهَانِ وَ نَفُوسِ بِنْدِگَانِ كَامِلًا هُوِيْدَا وَ رُوشنِ مِي گَرْدَانِيْمِ تَا ظَاهِرِ وَ اَشْكَارِ شُودِ كِه بِرِ حَقِّ اسْتِ اَيَا اِي رَسُوْلِ (هَمِيْن حَقِيْقَتِ كِه) خُدا بِرِ هَمْمِ مَوْجُوْدَاتِ عَالَمِ پِيْدا وَ گُوَاهِ اسْتِ كِفَايَتِ اَزِ بَرِهَانِ نَمِي كُنْد؟ (فَصَلَّت: ۵۳).

### ۱۳. اصلاح

این اصل که به عنوان اصلی اثباتی مطرح است، در حقیقت متضاد فساد و اسراف در زمین می‌باشد. تعالیم اسلامی وظیفه‌ی انسان را اصلاح و عمران زمین می‌شمارد (هود: ۶۱). در مورد عمران زمین بحث بسیار

پیچیده‌ای مطرح می‌شود. به این معنا که اگر عمران زمین تنها به معنای ساخت‌وساز مطرح شود، به آسانی مجوز تخریب باغ‌ها و کشاورزی اطراف شهرها صادر می‌شود. ولی اگر آنها نیز به عنوان عمران زمین مطرح شوند، آن گاه حد و اندازه‌ی شهرها و چگونگی توسعه‌ی آنها سوآلی است که یکی از راه‌حل‌های آن می‌تواند توسعه‌های منفصل باشند.

### ۱۴. کمال‌گرایی

برای آنچه امروزه تحت عنوان توسعه‌ی پایدار مطرح است و به جهت اهمیت و ارزشی که دارد در بسیاری فعالیت‌ها و از جمله در شهرسازی نیز مطرح شده است، نسخه‌ای ایرانی و ارزشمندتر نیز قابل ارائه است که آن اصل یا صفت کمال‌گرایی است. با عنایت به توضیح این موضوع در مواضعی دیگر (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹) در این مجال تنها به مواردی از ویژگی‌های اصل کمال‌گرایی اشاره می‌شود:

- حد اکثر همراهی و همزیستی با طبیعت،
  - عدم انقطاع رابطه‌ی انسان با طبیعت،
  - حد اقل یا فقدان تخلیه‌ی آلاینده‌ها (به ویژه آلاینده‌های کشنده و خطرناک) در طبیعت،
  - استفاده از مصالح بومی،
  - تنظیم شرایط محیطی با استفاده از امکانات و شرایط اقلیمی،
  - احتراز از اسراف و فساد و تباهی و بیهودگی و بطالت،
  - نگرش به طبیعت به عنوان منبع شناخت و آیات الهی،
  - استفاده‌ی مناسب و بهینه از نیروی کار انسان،<sup>۲۰</sup>
  - مصرف مواد و مصالح در جهت کمال‌بخشی و شرافت بخشیدن به ماده به منظور ارتقا کیفیت حیات، و
  - احتراز از مصرف مواد و مصالح در جهت ارضا مشتهیات مادی.
- طبیعی است که با استفاده از فن‌آوری در دسترس، امروزه می‌توان نه تنها از تخریباتی که بر طبیعت و نهایتاً بر زندگی انسان وارد می‌شود کاست، که حتی روپه‌های پیشین را تقویت نمود.

### ۱۵. عزت

اندکی مذاقه در تعالیم اسلامی بیانگر اهمیت عزت جامعه اسلامی و لزوم اهتمام در نمایش و در تقویت آن است، و طبیعی است که این عزت، علاوه بر بسیاری جنبه‌های سیاسی و علمی و هنری و اقتصادی، نیازمند نوعی احساس استقلال از بعد روانی و معنوی است. به عبارت دیگر، یکی از ابزارهای مهم احراز عزت جامعه، احساس روانی جامعه در استقلال و عدم وابستگی در مقابل بیگانه است. این گونه از استقلال فراتر از تکنیک و فن‌آوری بوده و به قالب و شکل و محتوای موضوعات مرتبط بوده و تبعات استفاده از هر گونه الگوی بیگانه را نیز مد نظر قرار می‌دهد. معیارهای منبعث از این اصل عبارتند از: استقلال، بوم‌آوری و هویت.

بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌ها (و به عنوان نمونه بارز آنها: بلندمرتبه‌سازی‌های جاری) نه تنها نمادی از استقلال نیستند که در بسیاری زمینه‌ها عامل تشدید وابستگی و حتی نماد وابستگی از نظر فرم و شکل و شیوه‌ی زیست و فرهنگ و حتی فن‌آوری هستند. فن‌آوری‌های تهویه و تأسیسات حتی اگر تصور خودکفائی کاملشان مقدور باشد، به جهت غیربومی بودن و اصرارشان بر مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر، زمینه‌ی وابستگی بیشتر تکنیکی در آینده را فراهم می‌کنند. این موضوع

وقتی تشدید می‌شود که فعالیت‌های علمی و پژوهشی در جهت دستیابی و ابداع فن‌آوری استفاده از انرژی‌های تجدیدشونده و پایدار و دگرگونی وضع موجود به آن سمت در حداقل و آن هم به تقلید بیگانگان باشد. شاید درست باشد که؛ علوم موضوعاتی جهانی و میراث بشری هستند و به قوم خاصی تعلق ندارند، لکن باید توجه کرد که هر علم و هر فنی در هر اقلیم و فرهنگی، تفسیر و حتی شکل خاص خود را دارد. برای نمونه با وجود گذشت بیش از یکصد سال از ظهور نماهای شیشه‌ای و فلزی که از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد و با ظهور معماری پُست‌مدرن دوره‌ی رواجشان به سر آمد، اینک تازه در بلندمرتبه‌سازی‌های ایران تکرار می‌شوند. این نمونه‌ی کوچک گویای این مطلب مهم است که حتی این تقلیدها از موضوعات متأخر و جاری انجام نمی‌شود، بلکه موضوعاتی تقلید می‌شوند که سال‌هاست حتی در غرب نیز تاریخ مصرفشان گذشته، اشکالات عدیده‌شان بر مبدعین آنها نیز مشخص شده و در سرزمین اصلی خویش منسوخ شده‌اند.

## ۱۶. تذکردهی

اگر چه برخی مصادیق متذکر بودن شهر، تحت عناوین هدایتگری، معنویت‌گرایی و آموزش قابل طرح و بررسی هستند، اما به جهت اهمیت موضوع، بحثی جداگانه از آن نیز به وضوح بحث کمک خواهد کرد. اگر تذکر را یادآوری به معنای مطلق آن فرض کنیم هر شهری می‌تواند برخی موضوعات را به اهل خویش یادآوری کند. اما با عنایت به معنای واقعی "ذکر" که به معنای یادآوری



چیزهایی است که انسان قبلاً به آنها آگاه بوده یا به آنها آگاهی داده شده است، تنها وجه معنوی آن مد نظر است. به این ترتیب که یادآوری برخی موضوعات مادی از قبیل مصرف، غذا، جنس مخالف، تفریح و امثال آنها چیزی جز تحریک و تهییج نیست. آنچه که نیازمند تذکر است، موضوعات و نیازها و نکاتی است که به دلیل سیطره و پر رنگ شدن همین موضوعات مادی، مستور شده‌اند و انسانها نیازمند یادآوری آنها هستند. شهرهای تاریخی، به دلیل مخفی داشتن یا عدم تحریک و تهییج نیازها و مشتبهات مادی انسان و از طریق متذکر شدن انسان به ارزش‌های معنوی، نقش تذکردهی خویش را به انجام می‌رسانند. شهر تاریخی و البته شهروندان آن نسبت به رعایت این موضوع یعنی متذکر نگه داشتن انسان کاملاً جدی بودند. این در حالی است که شهر معاصر عموماً بر تهییج و تحریک قلمرو مادی حیات متمرکز است.<sup>۳۱</sup> معیارهای چون آموزش و هدایت نیز در ذیل همین اصل قابل طبقه‌بندی هستند.

## ۱۷. تواضع

به تبعیت از تعالیم اسلامی که مشی در زمین به تفاخر و غرور

را نفی و نهی نموده و برعکس تواضع و فروتنی و عدم خودستایی و تفاخر را توصیه می‌کند (اسراء: ۳۷، لقمان: ۱۸، حدید: ۲۳ و فرقان: ۶۳)، آثار انسانی و از جمله شهرها و عماراتشان نیز باید القاکننده‌ی این ارزش و اصل بنیادین چنانچه برای نمونه، شهرهای تاریخی ایرانیان دارای بافت و کالبدی هماهنگ و بدون تفاخر و تمایزات خودستایانه‌ی مادی بودند. بارزترین ویژگی این بافت‌ها جداره‌های ساده و یکنواخت آنها به سمت فضاهای عمومی بود. در عین این سادگی و هماهنگی، استفاده از فرم‌های متنوع و احجام متفاوت نیز یکنواختی حاصل از محدودیت رنگ و مصالح این بافت‌ها را منتفی می‌نمود. تنوع فرم‌ها و احجام و توالی متنوع فضاها و سلسله‌مراتب مختلف بین فضاهای شهری، کسانتی را که ممکن بود در اثر استفاده از مصالح و رنگ‌های محدود حاصل شود منتفی می‌کرد. این تواضع و فروتنی و گرایش به درون را حتی در مساجد نیز می‌توان مشاهده کرد که علی‌رغم ارتفاع نسبی‌شان که سایه‌ی معنوی خویش را بر شهر گسترده بودند، فاقد سطوح بیرونی تزیین شده بودند.

## ۱۸. حیا

مروری اجمالی بر کالبد و سازمان فضایی و اشکال و سلسله‌مراتب موجود در بافت‌های تاریخی شهرها حکایت از آن دارد که بسیاری از دریافت‌های بصری و صوتی و بویایی که امروزه در شهرها به وفور در دسترس همگان هستند، بر مردمان آن شهرها مستور و پوشیده بودند. این دریافت‌ها عموماً موضوعاتی خصوصی و در هر دو قلمرو مادی و معنوی زندگی قابل طبقه‌بندی هستند. شهر تاریخی

نه تنها از برهنگی و عریانی و نمایش خویش برای بیگانه بری بود که حتی زمینه‌ی تحریکات مادی یا خودنمایی و خودستایی و تحقیر انسان (دیگران) را نیز به حداقل رسانده بود. حیای شهر تاریخی اجازه‌ی ریا و فریب نمی‌داد در عین حالی که دارای همه‌ی این صفات بود، در شهر تاریخی و در فضاهای عمومی آن، حتی کسانتی که مقید به آداب نبودند، حرمت جمع و جامعه را به سهولت نمی‌شکستند، در حالی که امروزه حتی افراد با ظاهر و سیمایی متدین به راحتی برخی مقررات و قوانین و حتی هنجارهای اخلاقی را رعایت نمی‌کنند که از ذکر آن خودداری شده و برای مشاهده‌ی جزئیات آن مراجعه به فضاها و اماکن عمومی توصیه می‌شود.

## ۱۹. پاکی و طهارت

پاکی را به شقوق مختلفی از جمله پاکی هوا، پاکی محیط، پاکی نمای عمارات و پاکی فضاهای داخلی ساختمان‌ها می‌توان تقسیم نمود که هر کدام نیز به پاکی مرئی و پاکی نامرئی قابل طبقه‌بندی هستند. پاکی مرئی به تمیزی ظاهری و محسوس توسط حواس اطلاق شود، و

پاکی نامرئی شامل تمیزی و سلامت محیط و بری بودن آنها از موجودات ریز یا گازها و مواد غیرقابل رؤیت، و فراتر از آن پاکی و طهارت معنوی است. تحقیقات انجام شده، دو زمینه اصلی پدید آمدن زشتی در اثر آسیب دیدگی نمای عمارات بلند را ناشی از “تابیدگی ساختمان” و ناشی از “آثار محیطی” معرفی می‌کند که عمدتاً عبارتند از: شکست شیشه‌ها، ترک خوردن، قله‌کن شدن، خرد شدن، جابجایی، تغییر شکل، لکه‌دار شدن، خوردگی، خرد شدن ناشی از خوردگی پرتو فرابنفش، خیسی و پوسیدگی. و بر اینها می‌توان اهمال در تعمیرات و نگهداری ادواری را نیز افزود که پس از مدتی چهره‌های زشت و آلوده را در برابر چشمان شهروندان قرار می‌دهند. علاوه بر اینها، پاکی معنوی و طهارت روحی و فرهنگی نیز وجه دیگری از پاکی است که خود بحث مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند.

## ۲۰. تقوی

موضوع تقوی در مطالعه حاضر از منظرهای متنوعی دارای اهمیت است. یکی از آنها رعایت تقوی در ساخت و سازها و در سیمای عمومی شهر است. مورد بعدی ایجاد شرایط و فضاهایی است که امکان منتهی نگهداشتن اهل شهر را فراهم نماید و آنان را نه تنها به انجام گناه ترغیب و تشویق نکند، که آنها از ارتکاب گناه نیز بازدارد. موضوع بعدی رعایت تقوی در اداره‌ی شهر و در تنظیم روابط اجتماعی است.

## اصول و معیارهای سلبی

در کنار و علاوه بر اصول ایجابی که اشاره شد و البته امکان تکمیل و افزودن بر فهرست آنها وجود دارد، برخی اصول و معیارهای سلبی نیز هستند که شهرها و عمارات و مساکن باید از آنها مبرا باشند؛ و می‌توان به عنوان مکمل به آنها اشاره نمود؛ که برای نمونه به دو مورد اشاره می‌شود.

**احتراز از کبر:** این موضوع در واقع به همراه احتراز از خودستایی و تحقیر دیگران یکی از موضوعاتی است که باید بر شکل‌گیری شهرها و عمارات و مساکن مسلمانان اعم از سیما و شکل و سازمان فضایی و رابطه‌ی اجزا آنها با یکدیگر و با مردم تأثیر داشته باشد. جلوه‌های رعایت چنین اصلی را می‌توان در سادگی فرم‌ها و اشکال، در مصالح بومی و محدود، در درونگرایی و در حد اقل استفاده از تزئینات در سطوح بیرونی، در ارتفاع متناسب و هماهنگ ساختمان‌ها، در تجانس غیرمادی محلات، در همجواری متناسب عملکردهای مختلف، و در وحدت کالبدی شهر و عمارات مشاهده کرد.

**اجتناب از فساد و اسراف:** جهان‌بینی توحیدی با تکیه بر اصل عدل، به عنوان عامل بقای عالم وجود و بالتبع عامل ایجاد محیط مناسبی برای حیات انسان، غالب موضوعاتی را که در تقابل با اصل عدل هستند به عنوان ظلم معرفی می‌کند. فساد و اسراف از مهم‌ترین این عوامل هستند که انسان از ارتکاب آنها نهی شده است.

## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به این که همه فعالیت‌های انسانی در جهت نوعی خلق و خلاقیت انجام می‌شود، دو مورد اساسی بایستی مد نظر قرار گیرند: ۱- این که با توجه به مقام خلیفه‌الاهی انسان، بهترین الگو برای شناسایی ویژگی‌های فعالیت‌های انسان و تعیین اصول حاکم بر اعمال و آثار تولید او همانا خلق الهی و اصول و قوانین حاکم بر اجزا جهان هستی است. ۲-

به جهت این که نقش باورها و تفکر حاکم بر انسان و نحوه‌ی نگرش او به جهان هستی و همچنین توجه به اعمالش، تأثیر مستقیم بر انتخاب روش‌های طراحی، ساخت، تولید و نحوه بهره‌گیری از طبیعت دارد، در این باب نیز شناسایی دستورالعمل‌های برآمده از تعالیم اسلامی یا لااقل محک خورده شده با این تعالیم برای مسلمانان واجب‌الرعایه‌اند. به این ترتیب، مجموعه‌ی ویژگی‌های تأثیرگذار بر فعالیت‌های انسان و از جمله طراحی و ساخت مسکن وی متشکل از “قوانین حاکم بر عالم وجود” و “اصول توصیه‌شده برای حیات وی” می‌باشند.

**صفات فعل الهی:** صفات فعل الهی (یا اصول حاکم بر فعل و خلق الهی) از اصلی‌ترین صفاتی هستند که می‌توانند به عنوان صفات و ویژگی‌های مسکن اسلامی ایرانی مطرح شوند. توضیح این که: از یک سو، بر افعال انسان، بنا به باورها و الگوی اصلی‌ای که برای خویش انتخاب می‌کند، اصول و صفاتی مترتب است، و از سوی دیگر بنا به تعالیم اسلامی، انسان خلیفه (یا جانشین) خداوند در زمین است؛ و بنابراین با یک مقایسه‌ی ساده می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که اعمال انسانی بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند، و در جهت متجلی ساختن آن صفات شکل بگیرند؛ تا شرط امتدادی در خلافت رعایت گردد؛ و نه تنها با فعالیت‌های انسان خدش‌های به هماهنگی و تعادل موجود در عالم وجود و طبیعت وارد نیاید، که فراتر از آن، امکان تکامل موجودات (و عالیتر از آن، گرایش مواد به سمت تجرد) در اثر فعالیت‌های انسان نیز فراهم آید. یکی از افعال مهم انسان، تغییراتی است که توسط او در محیط به وجود می‌آید که قسمتی از آن به صورت محیط و فضای زندگی و مسکن در زمین ظهور می‌یابد. خلاصه این که چون تفکر اسلامی، انسان را به عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی بر روی زمین معرفی می‌کند، اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی بایستی رنگ و صبغی اصولی را داشته باشند که بر فعل الهی حاکم‌اند. برخی از بارزترین صفات فعل الهی که بایستی بر فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط به عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های فعل انسان حاکم باشند، عبارتند از: وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسله‌مراتب، تسبیح، حسن، حساب، حق بودن، کرم، احسان، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی و که عموماً در قرآن کریم معرفی شده‌اند.

## صفات فعل انسان: اصول توصیه‌شده برای حیات وی:

علاوه بر ویژگی‌های مذکور برای صفات مخلوقات الهی (که در سطور پیشین ذکر شدند)، آنچه خداوند تبارک و تعالی به عنوان بنیادهای مشی زندگی انسان معرفی می‌نماید نیز در شکل‌گیری محیط زندگی که باید مقوم ارزشهای الهی بوده و انسان را به سمت آن هدایت نمایند ایفای نقشی در خور توجه را عهده‌دار هستند که اهم آنها عبارتند از: عبودیت و عبادت، تقوی، ذکر، امر به معروف، نهی از منکر، کرامت انسان، عبرت‌گیری، تفکر، حیا، تواضع، عدم پذیرش ولایت کفار و مشرکین، عزت، تمایز (عدم تشابه به بیگانگان)، اجتناب از کبر، احسان، ارجحیت معنویت بر مادیات، امنیت، هدایت، اصلاح و آبادی زمین، احتراز از فساد، تعاون و همکاری، شکر، میانه‌روی و هویت.

و ما توفیقی الا بالله

## پی‌نوشت‌ها:

معنوی بوده و به تعبیر متفکران مثاله ریشه در آسمان دارد. از جانب دیگر مقصود از مدرن نیز "نو" نبوده و به اشیاء و مفاهیمی اشاره دارد که در واقع در تقابل با سنت (به معنایی که گفتیم) بوده، چشم از آسمان بر تافته و بر زمین و زندگی دنیایی و عقل حسابگر متمرکز است" (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۹۸). برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۴ و همو، ۱۳۸۵.

۱۷. وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقِيَامَةَ فِيهَا رَوَّاسِي وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ: و زمین را هم ما بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های عظیم بر نهاده‌ایم و از آن هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویاندیم (حجر: ۱۹).

۱۸. در مورد اهمیت اصل هماهنگی، ر.ک: جعفری، ۱۳۵۸ و قریب به اتفاق آثاری که به موضوع طبیعت، شهرسازی، معماری و هنر پرداخته‌اند.

۱۹. همچنین در مورد درون‌گرایی خانه مسلمانان، ر.ک: پیرنیا، ۱۳۶۹.

### Ismail, 1972 & Petherbridge, 1978

۲۰. احتمال مطرح شدن این اشکال وجود دارد که: در دنیای معاصر که بسیاری ماشین‌ها و ابزار و ادوات اختراع شده‌اند که کارها را برای انسان انجام می‌دهند، استفاده از نیروی ماهیچه‌ی انسان برای انجام امور شخصی و جمعی و زندگی، نه تنها امری غیرلازم که امری مهم است. توجه به این نکته خالی از لطف نیست که علی‌رغم در اختیار بودن انواع ابزار و ادوات، انسان‌ها بیشتر از گذشته به اخذ و جذب انرژی (از طریق غذا خوردن) می‌پردازند، و چون کار نمی‌کنند تا انرژی مکتسبه مصرف شود، به ناچار، یا به مشکلات و بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند که ناشی از بی‌کاری و عدم صرف انرژی است؛ یا این که باید مقدار زیادی وقت صرف کنند و هزینه بپردازند تا در مکان‌هایی خاص (مثل باشگاه‌ها) این انرژی را بسوزانند؛ یا به عبارت بهتر آن را هدر بدهند.

۲۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۹.

## مراجع و منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای  
نهج‌الفصاحه (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۷  
نهج‌البلاغه (مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب ع)، ترجمه‌ی محمد دشتی، انتشارات قدس، قم، ۱۳۸۴  
مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد (به تصحیح و مقابله محمد رضانی)، کلاله خاور، تهران، بی‌تا  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
- امین‌زاده، بهناز، تأثیرات ساختمان‌های بلند بر محیط شهری (طرح پژوهشی)، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷  
- پیرنیا، محمدکریم، شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹  
- [امام] جعفر صادق ع، توحید مفضل، ترجمه ملامحمدباقر مجلسی، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۵۹  
- جعفری، [علامه] محمدتقی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی (ج ۱ و ۳)، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۲  
- -----، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۶۹  
- -----، فرهنگ‌پیر و فرهنگ‌پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۷۹  
- -----، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه (ج ۳)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۸

۱. توجه کنیم که "فرسودگی بافت‌های شهری" به عکس نگرش جاری؛ به فرسودگی کالبدی محدود نیست، و فرسودگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و انسانی نیز باید مد نظر قرار گیرند.

۲. این تأکید از آن جهت نیست که تمرکز بر جنبه‌ی مادی حیات علت اصلی توجه به مسکن است و باید حذف شود، بلکه مقصود؛ یادآوری این نکته‌ی مهم است که در ازاء پاسخگویی به نیازهای فیزیولوژیکی انسان، نباید وجوه و نیازهای معنوی انسان و ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب فراموش شوند.

۳. برای مطالعه در مورد نظر اسلام در مورد انسان و ارزش او در مقایسه با عالم وجود ر.ک: بقره: ۳۰ و ۳۴ (که به مقام خلیفه‌اللهمی انسان و مسجود ملائک بودن او اشاره دارند)، اسراء: ۷۰ (که به برتری انسان بر سایر موجودات اشاره می‌کند)، احزاب: ۷۲ (که به عنوان حامل امانت الهی اشاره دارد)، و جاثیه: ۱۳ و ابراهیم: ۳۲ (که به تسخیر جهان برای انسان اشاره می‌نماید). همچنین ر.ک: به تفسیر این آیات از جمله در: طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، همو، ۱۳۶۳، ج ۲۳ و ۲۵، همو، ۱۳۵۷، ج ۳۲، همو، ۱۳۶۲، ج ۳۵ و سایر تفاسیر.

۴. در مورد تغییر تلقی انسان معاصر نسبت به خانه و مسکن در مقایسه با جوامع گذشته، ر.ک: داوری اردکانی، ۱۳۷۵.

۵. اَلَمْ يَرَوْا اَنَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مَبْصُرًا: آیا ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن (نمل: ۸۶).

۶. توجه کنیم که فرهنگها در تماس با یکدیگر و همچنین جوامع در استفاده از روشها و ابزار ابداعی دیگران، به دو گونه "تأثیرگذار" و "تأثیرپذیر" ظاهر می‌شوند. برای مطالعه در این زمینه، ر.ک: جعفری، ۱۳۷۹.

۷. تجلی هویت (به ویژه هویت فرهنگی) جامعه در آثار معماری و شهری جامعه، امری مهم است که هم عامل تجلی شخصیت ملی و هم عامل ترویج ارزشها و هم عامل تقویت مبانی فرهنگ ملی است.

۸. تکرار الگوهای بیگانه امری خنثی تلقی می‌شود، در حالی که تأثیرات محیط و آثار معماری و مختصات آن بر رفتار و تفکرات و شیوه‌ی زیست و از همه مهمتر نمایش هویت فرهنگی جامعه امری بدیهی است.

۹. در نقی ارزیابی ایده‌های بیگانه با معیارهای بیگانه و لزوم توجه به معیارهای خودی، ر.ک: مطهری، ۱۳۵۷ و نقی‌زاده، ۱۳۸۶.

۱۰. در مورد مباحث مربوط به وحدت و کثرت، ر.ک: جعفری، ۱۳۶۹ و همو، ۱۳۶۲. و در مورد نظر اسلام در باره بستگی و ارتباط اجزاء عالم، ر.ک: مطهری، ۱۳۵۰، ج ۵ و جوادی آملی، ۱۳۶۶.

۱۱. "کلمه عبری *shakhina* که کلمه عربی سکینه از آن اخذ شده است، در اصل به معنای مجد و جلال الهی است" (ریخته‌گران، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

۱۲. همچنین برای مطالعه در معنای "سکینه" در فرهنگ قرآنی، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۸ و همو، بی‌تا، ج ۳۶.

۱۳. برای مطالعه در مباحث مربوط به هویت، ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۹۰ و همو، ۱۳۸۶.

۱۴. اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلٰیكُمْ نِعْمَةً ظٰهِرَةً وَاٰبِلَغَةً: آیا شما مردم به حس مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده (لقمان: ۲۰).

۱۵. ر.ک: به مقولات طرح شده در تعالیم اسلامی در مورد دستور اجتناب از فساد در زمین و توصیه به اصلاح در آن.

۱۶. از نظر این نوشتار "مراد از سنت به هیچ وجه مفاهیم و موضوعات کهنه و مندرس و قدیمی و صرفاً تاریخی نیست، بلکه مقصود هر آن چیزی است که واجد





- Abu-Lughod, Janet. *Cairo: Perspective and Prospectus*. In Brown, L. Carl (Ed.). From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City. The Darwin Press. Princeton, New Jersey. 1973.

- Alsayyad, Nezar. *Cities and Caliphs on the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. Greenwood Press. New York. 1991.

- Burke, Gerald. *Towns in the Making*. Edward Arnold. London. 1971

- Fathy, Hassan. *Cairo of the Future. In Architectural Transformation in the Islamic World (9th: 1984 Cairo, Egypt)*. Concept Media Pty. Singapore. 1985

- Gelb, Pat M. *High-Rise Impact on City Neighbourhood Livability*. in Conway, Donald (ed) Human Response to Tall Buildings, Hutchinson and Rose Inc, Dowden 1977 - Haider, S. Gulzar. "Habitat and Values in Islam: A Conceptual Formulation of an Islamic City" in Sardar, Ziauddin (ed.). The touch of Midas. Manchester University Press. Manchester. 1984

- Ibrahim, Saad Eddin. *Cairo: A Sociological Profile*. In Architectural Transformation in the Islamic World (9th: 1984 Cairo, Egypt). Concept Media Pty. Singapore. 1985.

- Ismail, Adel A. *Origin, Ideology and Physical Patterns of Arab Urbanization*. In journal Ekistics. Vol. 195. Feb. 1972.

- Joo Hwa philip, Bay. Design for High - Density living - The Tropical strrts in the sky. in proceedinge of -. Intenationag conference on quality of life in Cities(Icqlc 2000). vol. II. Nationag University of Singapore. singapore, 2000

- Kostof, Spiro. *A History of Architecture*. Oxford University Press. New York. 1985

- Naghizadeh, Mohammad. *Effect of Modern Technology on the Quagity of Urban Life: The Experince of Iranian Cities*. in Proceedings of International Conference of Quagity Of Life in Cities (ICQLC2000). Vol. II. National University of Singapore. Singapore, 2000a

- -----, *Urban Landscape and Cultural Values: A Conceptual Framework of Islamic Teaching*. Proceedings of International Conference on Landscape (INCOL 2000). University of Putra Malaysia. Kualalampore. 10-11 Oct. 2000b.

- Nasr, Seyyed Hossein. *Sacred Art in Persian Culture*. Golgonooza Press. Cambridge. 1976

- -----, *Traditional Islam in the Modern World*. Kegan Paul International. New York. London. 1990

- Petherbridge, Guy T. Vernacular Architecture: The House and Society. In Michell, George (Ed.). Architecture of the Islamic World. William Morrow and Company, INC. New York. 1978.

- جوادى آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن (ج ۵)، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۶

- حبیبی، سیدمحسن و دیگران، مسکن حدآقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ۱۳۷۰

- داوری اردکانی، رضا، ملاحظاتی در باب طرح مدینه اسلامی، مجله آبادی، شماره ۲۲، سال ششم، پائیز ۱۳۷۵

- روزنامه اطلاعات شماره ۲۲۸۷۵، ۲۹ شهریور ۱۳۸۲

- روزنامه همشهری، شماره ۴۱۶۹، ۶ دی ماه، ۱۳۸۵

- سازمان حفاظت محیط زیست، مجموعه مقالات همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۸۰

- شولز، ولفانگ، مفاهیم کلی در طراحی ساختمان (مجموعه مقالات در مسایل اساسی بلندمرتبه سازی)، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۵

- شووان

- طباطبایی، [علامه] سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۳۲، محمدی، تهران، ۱۳۵۷

-----، تفسیر المیزان، ج ۱۸ و ۳۵، محمدی، تهران، ۱۳۶۲

-----، تفسیر المیزان، ج ۳۳ و ۲۵، محمدی، تهران، ۱۳۶۳

-----، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۴، دارالعلم، قم، بی تا

-----، تفسیر المیزان، ج ۳۶، محمدی، تهران، بی تا

- گیدئین، زیگفرد، فضا زمان و معماری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵

- لی.ب و دیگران، طراحی معماری ساختمانهای اداری: تهویه مطبوع، ترجمه مزدک صدری افشار، در مجموعه مقالات مسایل اساسی بلندمرتبه سازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۵

- مطهری، [شهید] مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۷

-----، شرح اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، اثر علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۰

- نصر، سیدحسین، دین و بحران زیست محیطی، ترجمه محسن مدیرشانهچی، مجله نقدو نظر، سال ۵، شماره ۱ و ۲، ۸-۱۳۷۷

-----، انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹

- نقی زاده، محمد، شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه، نشر شهر، تهران، ۱۳۹۰

-----، مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، نشر شهر، تهران، ۱۳۸۹

-----، زیبایی "احساس حضور" در شهری با "منظر متذکر"، مجله دانش نما، شماره ۱۸۲-۱۸۱، خردادوتیر ۱۳۸۹ ب

-----، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۶

-----، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان، ۱۳۸۵

-----، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، انتشارات واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴



## دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار شامل نقشه‌های ایران،

تهران و قاره‌های جهان در یکصد و بیست سال قبل

تألیف محمدرضا مهندس (مهندس الملک)، ۱۳۱۹ قمری - ۱۹۰۱ میلادی

به اهتمام: جواد صفی‌نژاد، غلامرضا سحاب، سعید بختیاری

نشر دنیای جغرافیای سحاب، ۱۳۹۱، ۴۸ ص

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۳۲۶۳۱۰

شروع نقشه‌برداری علمی و فنی در ایران به زمان تأسیس مدرسه دارالفنون برمی‌گردد، زمانی که از شروع اکتشافات جغرافیایی در قرن ۱۵ حدود سه قرن می‌گذشت. کرشیش (کرزیر) معلم توپخانه و مهندسی، در کلاس‌های درس مدرسه دارالفنون با کمک مترجم دانشمند خود میرزا ذکی مازندرانی، اول بار محصلان دارالفنون را با رموز فن نقشه‌برداری آشنا کرد. کرشیش در سال ۱۲۷۵ قمری موفق شد با دستبازی ذوالفقاریک و محمدتقی خان، که از شاگردان مدرسه دارالفنون بودند، اولین نقشه دارالخلافه تهران را تهیه و با چاپ سنگی به طبع برساند.

این نقشه شروعی بود برای تهیه و نشر نقشه‌های جغرافیایی در آن عصر که ۲۶ سال بعد استاد عبدالغفار نجم‌الدوله، استاد علم جغرافیا و نجوم با همکاری دانش‌آموختگان مدرسه دارالفنون موفق شدند اولین اطلس جغرافیایی را تدوین و چاپ کنند. (۱۳۰۲ ق / ۱۸۸۴ م). مبنای کار آنها ترجمه اطلس‌های منتشر شده از کشور فرانسه بود که در ایران به فارسی ترجمه و به وسیله چاپ سنگی به طبع می‌رسید. کسانی که در تهیه‌ی این اطلس همکاری داشتند به صورت جداگانه نقشه‌های دیگری از ایران، تهران، جهان و قاره‌ها ترسیم نمودند که به تعداد محدودی به چاپ رسید. این روند تا اوایل ۱۳۰۰ شمسی ادامه یافت. در این مدت سه جلد اطلس جغرافیایی تهیه شد که در این جزوه معرفی شده‌اند. جلد دوم که کار محمدرضا مهندس بود عیناً به صورت نسخه برابر اصل در این مجموعه آورده شده‌اند.

غلامرضا سحاب در ادامه‌ی این مطلب در مقدمه‌ی کتاب، اضافه می‌کند که انتشار اطلس نخست و اطلس سوم بعد از چاپ این اطلس در نظر گرفته شده است با این امید که بتوان سایر کتاب‌ها و نقشه‌های جغرافیایی آن دوره را که بسیار کمیاب و نایاب هستند برای علاقه‌مندان و اهل مطالعه و تحقیق و دانشجویان رشته جغرافیا و کارتوگرافی منتشر نمود. به گفته‌ی سحاب در این دوره کارتوگرافان و جغرافی‌دانان مطرحی چون سرتیپ مهندس عبدالرزاق خان بغایری، میرزا مهدی خان سرتیپ، محمدرضا قراچه‌داغی، علی اشرف قراچه‌داغی، و دیگران آثار ارزشمندی به وجود آورده‌اند که هر یک در تحول تاریخ نقشه‌برداری و نقشه‌کشی ایران سهم ارزنده‌ای دارند.

کتاب پس از مقدمه و دیباچه تحت عناوین زیر به چاپ رسیده است:

معرفی محمدرضاخان مهندس، دانشجویان مدرسه دارالفنون، اطلس میرزا رضاخان، جعفر قلی خان رییس مدرسه دارالفنون، نمای مدرسه دارالفنون، موقعیت مدرسه در نقشه دارالخلافه، اجازه صلح، اطلس نخست عبدالغفار، فهرست نخستین اطلس جغرافیا، توضیح نقشه‌های اطلس عبدالغفار، اطلس دوم، معرفی اطلس دوم، تألیفات محمدرضا مهندس، اطلس سوم، احمدین سلیمان، نقشه ایران، نقشه دهات و آبادی‌های معروف اطراف طهران، نقشه طهران و نواحی، معرفی نقشه ایران و اطلس بغلی چاپ استانبول، صفحه اول اطلس محمدرضا مهندس، اطلس تازه جغرافیایی عهد جدید، اشکال هیئت، جهات اصلیه و فرعیه، جهان‌نمای مدور، نقشه آسیا، نقشه ایران، سلسله جبال البرز و اطراف طهران، نقشه ایران مشتمل بر پایتخت‌های ایالات و بلاد، نقشه اروپا، نقشه افریقا، نقشه آمریکای شمالی، نقشه آمریکای جنوبی و تنگه پاناما، نقشه اقیانوسی یا عالم بحری، نقشه بعضی از جبال و بحیرات مشهور ایران.